

تصویب شورای عالی کار حکومت اسلامی، حقوق میلیون‌ها کارگر را از آنها سلب نمود

میلیارددلاری در اختیار آن‌ها قراردادند. سرمایه‌داران را از پرداخت بخش قابل ملاحظه‌ای از مالیات‌ها معاف کردند. به سرمایه‌های بین‌المللی امکان دادند که بدون هرگونه محدودیتی، سرمایه به ایران صادر کنند. بدون هرگونه محدودیتی کارگران را استثمار کنند و بدون هرگونه محدودیتی ثروت‌های طبیعی ایران را به یغماً ببرند و بدون هرگونه محدودیتی بر حجم سودهای خود بیافزایند و پی در پی امتیاز نفت و گاز را به سرمایه‌داران بین‌المللی و شرکای داخلی آنها واگذار نمودند. آنها سوبسیدی‌هایی را که برای تامین بخشی از نیازهای روز مردم اختصاص یافته بود، حذف نمودند و بار صفحه ۲

دموکراسی پوشالی از کار درآمد، تغییرات زیادی به نفع سرمایه‌داران انجام گرفت. مجلس ارتجاع اسلامی و کابینه خاتمی برای انجام تغییراتی که مطلوب سرمایه‌داران و سودهای هنگفت تر برای آنها بود، با یکدیگر مسابقه گذاشتند. آنها در این تلاش برای تامین هرچه بیشتر منافع سرمایه‌داران، در حالی که از حمایت و پشتیبانی جناح رقیب‌خویش نیز برخوردار بودند، پی در پی قوانین و مقررات جدیدی را تصویب و به مرحله اجرا در آوردند تا هرگونه محدودیتی از سر راه سرمایه برداشته شود. آنها کارخانه‌ها و موسساتی را که حاصل دسترنج کارگران ایران است، مفت و مجانی به سرمایه‌داران واگذار نمودند. از طریق درآمدهای حاصل از نفت اعتبارات چند

خاتمی و گروه‌های طرفداروی در جبهه موسوم به دوم خرداد، از همان هنگام پیروزی شان در سال ۷۶، ازان رو مورد حمایت همه‌جانبه سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی قرار گرفتند که با توجه به مجموع اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود در ایران، بهتر از دیگر گروه‌ها و دسته‌های درونی هیئت حاکمه می‌توانستند منافع سرمایه را تامین کنند. اینان به منظور تامین هرچه بیشتر منافع سرمایه‌داران داخلی و بین‌المللی، پیگیرتر از رفسنجانی، اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های اجتماعی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی را در دستورکار قرار دادند. لذا اگر در این چند سال چیزی به نفع ادعاهای خاتمی چی‌ها در مورد آزادی و

گزارش ILO و نامه نمایندگان کارگران نفت پیرامون تشکلهای کارگری

تواند به اصل قضایا پی ببرد. هیئت اعزامی ILO در سفر به ایران، کار تحقیق و بررسی خود را اساساً روی این موضوع محوری متمرکز ساخته بود و از نظر خود باید بهاین سوال‌ها پاسخ می‌داد که تشکل‌های کارگری موجود یعنی شوراهای اسلامی کار و خانه‌کارگر، تشکل‌های صنفی، آزاد و مستقل هستندیا نه؟ این تشکل‌ها، به طور واقعی کارگران را نمایندگی می‌کنند یا نه؟ و بالاخره از لحاظ ساختاری پانزهای ILO در این زمینه تطابق دارند یا نه؟ تا آنجا که به کارگران و منافع کار برمی‌گردد، از نظر کارگران ایران، این موضوع از روزاول مثل روز روشن بود که شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر، تشکل‌هایی صدرصد وابسته به دولت اند. این تشکل‌ها نه آزادند، نه مستقل و اساساً ربطی به نمایندگی توده کارگران و منافع آنها نداشته‌اند و ندارند. از نظر کارگران، این موضوع جدیدی نیست. اما از دیدگاه سرمایه‌داران و دولت پاسدار منافع آنها که تا دیروز با تمام وجود از این تشکل‌ها صفحه ۵

متن کامل گزارش هیئت مشاوره سازمان بین‌المللی کار (ILO)، "شاخه آزادی انجمن" که به دعوت دولت جمهوری اسلامی برای بررسی درجه انطباق قانون کار جاری، با اصول و استانداردهای ILO در زمینه "آزادی انجمن" به ایران سفر کرده بود، در سایت "ایسنا" منتشر یافت. این هیئت به ریاست آقای برنارد جرینیگان، "رئیس" شاخه آزادی انجمن و خانم "کرن کرتیس"، "رئیس" اداره آزادی انجمن ILO، پس ازیک هفته اقامت در ایران (۵ تا ۱۱ مهر ۸۱) و گفتگوهایی که پیرامون تشکل‌های کارگری، با افراد مختلف وابسته به نهادهای حکومتی و تشکل‌های کارگری فرمایشی به عمل آورده، جمع‌بندی و نظر نهایی خود را در این باره اعلام نمود. به رغم سختان دو پهلو و موضع گیری‌های فوق العاده اداری و بورکراتیکی که در این گزارش نزدیکه چشم می‌خورد، معهدها در این گزارش، هیئت اعزامی ILO در برخورد به اصل قضیه، نسبت به آنچه که پیشتر از این عنوان نموده بود، از برخی جنبه‌ها به صراحت گویی نزدیکتر می‌شود. به عبارت دیگر محتوا گزارش به گونه‌ای است که خواننده با مطالعه متن آن، آسان‌تر می‌

جمهوری اسلامی - شوراهای اسلامی

یکی از دلایلی که رژیم جمهوری اسلامی را در بحران‌های لایحل قرارداده و موجب شده که این رژیم از بحرانی به بحران دیگر گام بگذارد، بدون این که بتواند آن‌ها را حل یا لااقل تعديل کند، تلافی دین و دگم‌های دینی با برخی از موازین و نرم‌های مدرن است. بدیهیست که نمی‌توان با خشت‌های گلی برج‌های بلند مرتبه ساخت، نمی‌توان مدعی دخالت و مشارکت دادن مردم در امور خود شد و در عین حال خواستار رعایت مقرراتی شد که مریبوط به زمان و مکان کنونی نیست. نمی‌توان رژیمی را بر اساس ولایت فقیه مستقر نمود و یک مطلق‌العنان به نام ولی‌فقیه را بالاختیارات بی‌حد و حصر و به نمایندگی از طرف خدا بر سرنوشت متجاوز از ۴۰ میلیون انسان حاکم کرد و در عین حال خواستار شرکت همان افراد در سرنوشت و امور خود شد. البته صفحه ۶

دراین شماره

تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان ۸

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها
و بیانیه‌های سازمان

۲ اخبار کارگری جهان
۴ اخبار از ایران

ضمیمه نشریه کار

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

گفتگوی نشریه کار با رفیق م. ایوب

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و پیانیه‌های سازمان

میلیون‌ها کارگر، از هرگونه حق و حقوق کارگری محروم شدند، عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۰/۲۳/۱۳۸۱ از سوی سازمان انتشار بافت.

در این اطلاعیه آمده است که به رغم اعتراضات مکرر کارگران به تغییر قانون کار به نفع سرمایه داران و خارج کردن اکثریت کارگران از شمال قانون کار، امروز، معاون تنظیم روابط کار روزارت کار و امور اجتماعی اعلام نمود که شورای عالی کار، مقررات کارگاههای کمتر از ۱۰ کارگر را تصویب نمود. با این مصوبه شورای عالی کار که ارگانی متشكل از نمایندگان سرمایه داران، دولت سرمایه داران و عوامل جیوه خوار سرمایه داران در «کانون عالی شوراهای سلامی» است، جمهوری اسلامی، دو سوم کارگران ایران را از هرگونه حق و حقوقی محروم نمود.

اطلاعیه تیجه می‌گیرد که با این مصوبه رجاعی ضد کارگری، نه تنها شرایط مادی و معیشتی، بهداشتی و ایمنی کارگران شاغل خیمتر از امروز خواهد شد، نه تنها استثمار کارگران، ابعادی و حشیانه‌تر از امروز به خود خواهد گرفت، بلکه صدها هزار کارگر نیز اخراج و به صفوپ بیکاران خواهند پیوست.

درایران این اطلاعیه، سازمان، با محکوم کردن این مصوبه شورای عالی کار حکومت اسلامی، و تمام سیاست‌های ارجاعی حکومت اسلامی علیه کارگران، می‌افزاید، طبقه کارگر، تنها با تکاء به نیروی خود، تنها با اتحاد و مبارزه است که می‌تواند این تعرض سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها را به حقوق دست آوردهای خود سد کند.

نشیکلات خارج کشور سازمان در فراخوانی به تاریخ ۱۳ زانویه ۲۰۰۳، از همه نیروهای کمونیست و چپ خواست که هرجه وسیع تر در تظاهرات ضد جنگ ۱۸ زانویه در آمریکا و اروپا شرکت کنند. درین فراخوان آمده است که کنون نظم سرمایه داری با بحران های ثرف قتصادی روبرو شود و تقسیم مجدد بازارها، بارداریگر در دستور کارقرارگرفته است. مپریالیست ها می خواهند با انتقال بحران به کشورهای پیرامونی، جنگ و خونزیزی کنند و بر منابع نفتی آنها چنگ بیناندازند. هر روزی که می گذرد، دولت جرج بوش و دستگاه عظیم نظامی آمریکا نقشه جنگ دیگری را این بار در عراق می چینند. در ۱۸ زانویه، درست در دوازدهمین سالروز جنگ خلیج، جنبش ضد جنگ در بیش از ۱۵۰ شهر در آمریکا و اروپا مردم را به تظاهرات ضد جنگ فراخوانده اند. درین تظاهرات شرکت کنید و نه به جنگ در عراق بیگوشید.

کار حکومت اسلامی، حقوق میلیون‌ها کارگر را از آنها سلب نمود

کار کنار گذاشته نشده اند، بلکه کارگاه ۳۰ های کمتر از ۱۰ کارگر تنها از شمول ماده از قانون کار "معاف" شده اند. گرچه هنوز به طور کامل و رسمی این تغییرات اعلام نشده اند، اما با نظری کوتاه به تغییراتی که جسته و گریخته اعلام شده است، می‌توان دریافت که در واقعیت امر، دو سوم کارگران ایران از شمول قانون کار کنار گذاشته شده‌اند. نه فقط از آن رو که رسمی برخی از مواد قانون کار که حق و حقوقی برای کارگر قابل بود، به‌دلیل حذف شده است، بلکه همچنین انجام برخی تغییرات که لازمه استفاده کارگران از قانون کار بوده است. از همین نکته آغاز کنیم.

برای این که اساساً کارگر بتواند درباره سرمایه‌دار، ادعای قانونی و حقوقی داشته باشد، باید قرارداد رسمی و کتبی میان کارگر و سرمایه‌دار وجود داشته باشد، تا کارگر با استناد به آن، بتواند از حق و حقوقی که قانوناً برای او به رسمیت شناخته می‌شود، استفاده کند. از همین روست که در قانون کار رژیم پیمانه از کلی، اولین مسئلۀ ای که مورد بحث قرار گرفته است، قرارداد کار است. در ماده ۱۰ آمده است که قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین باید حاوی موارد ذیل باشد. نوع کار و وظیفه ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد، حقوقی یا مزد مبنی و لواحق آن، ساعت‌کار، تعطیلات و مرخصی‌ها، محل انجام کار، تاریخ انعقاد قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد و موارد دیگر که عرف یا عادت شغل و محل ایجاد می‌نماید. در تبصره این ماده گفته شده است، در مواردی که قرارداد کارتی باشد، (و) با اضافه کنیم که اصولاً قراردادی که رسمی و قانونی باشد و حاوی مشخصات و مختصات اعلام شده در ماده ۱۰ باشد، الزاماً، قراردادی کتبی خواهد بود و بحث ما در اینجا برسر سوراخ و سندهای که قانون کار رژیم برای استفاده سرمایه‌داران باز گذاشته و نیز نحوه عملکرد جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته نیست). قرارداد در چهار نسخه تنظیم، که یک نسخه آن به اداره کار محل، یکی نزد کارگر، یکی نزد کارفرما و دیگری در اختیار شورای اسلامی و در جایی که شورای اسلامی نیست در اختیار نماینده کارگر قرار خواهد گرفت. در تغییراتی که داده شد، این تبصره حذف شده است. اما چرا تبصره ونه تمام ماده ۱۰، بداین علت که ماده ۱۰ به استثنای تبصره چیزی نیست مگر کلیاتی در باره مشخصات یک قرارداد. تنها در تبصره این ماده است که از یک قرارداد مشخص رسمی و قانونی صحبت می‌شود که کتبی است و وقتی که کتبی است باید مشخصات و مختصات کلی بالا را به طور مشخص در خود منعکس کرده باشد و در ۴ نسخه تنظیم شده باشد که یک نسخه آن به اداره کار فرستاده شود و با استناد به همین قرارداد رسمی و کتبی، کارگر، می‌توانست ادعای رسمی و قانونی داشته باشد. تاکنون در

افزایش قیمت را به دوش مردم زحمتکش انداختند. با افزایش بهای خارج‌ز، بهای کالاهای مورد نیاز مردم را به چند برابر افزایش دادند و درآمد حاصل از آن را به جیب سرمایه داران سرازیر نمودند. اینچه که محور تعیین کننده پیشبرد این سیاست اقتصادی بود، تشدید استثمار کارگران و تامین سودهای کلان برای سرمایه داران بود. استثمار کارگران تشدید شد. میلیون‌ها کارگر اخراج و به صفوای بیکاران پیوستند و طبقه کارگر وتوههای زحمتکش مردم روزبه روزقیتر شدند. اما این هنوز پایان کارتیست. مرتعین حاکم بر ایران به منتظر تشدید استثمار کارگران تلاش نمودند، حتاً حقوقی را که کارگران ایران با مبارزه خود در طول یکقرن گذشته به دست آورده بودند از آنها سلب نمایند. از نظر آنها کارگرایی از هرگونه حق و حقوق رسمی و مدون محروم باشد تا نتواند در برابر استثمارکاران ادعای حق و حقوق فانوی داشته باشد. لذا یورش به قانون کار و هر چیزی که در آن "حقی برای کارگر به رسمیت شناخته شده بود، آغازگرددید. "اصلاح طلبی" بورژوازی ارتقایی" سر از ارتیاع تمام و تمام دراورد. نه تنها در دوران خاتمی از بیشمار حقوق سلب شده مردم، یکی از این حقوق به آنها پس داده نشد، بلکه آغاز به سلب حقوق جدیدی از کارگران نمودند. کابینه "مجلس اصلاح طلب" نخست هر حقی را ولو محدود که در قانون کارخود رژیم برای کارگران کارگاههایی با کمتر از ۵ شاغل به رسمیت شناخته شده بود، از آنها سلب نمودند و آنها را ملزم شمول قانون کار "معاف" کردند، اما مسئله تنها محدود به کارگران کارگاههایی کوچک نبود، لذا نوبت به کار خانه ها و کارگاههایی با ۱۰ کارگر رسید تا آنها را نیز از شمول قانون کار "معاف" کنند. کارگران، با تظاهرات و راه پیمایی های خود، در برابر این تلاش سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها ایستادند. اما "اصلاح طلبان" مصمم بودند که برای خدمت به طبقه خود، حقوق این کارگران را نیز لگدمال کنند. آنها تصمیم خود را گرفته بودند و تنها منتظر لحظه مناسب برای اعلام آن بودند.

چند روز پیش، درحالی که سر مردم را بر سر یک کارپیکاتور گرم کرده بودند، معاون وزارت کار، موقعیت را برای اعلام این تصمیم مناسب یافت. وی گفت: مقررات کار گاههای کمتر از ۱۰ نفر کارگر به تصویب شورای عالی کار رسید و با تصویب هیئت دولت به مرحله اجرارخواهد آمد. از آنجایی که خود هیئت دولت خواهان این تغییرات بوده است، باید گفت که این مصوبه شورای عالی کار که مشکل از نمایندگان دولت، سرمایه داران و نمایندگان قلبای کارگران از کانون عالی شوراهای اسلامی است، قطعیت یافته و به زودی به مرحله اجراء نیز در خواهد آمد. اما این مقرراتی که معاون وزارت کار از آنها نام می‌برد چه هستند؟ ظاهرا هم به خاطر مخالفت کارگران و هم عواقب بین‌المللی‌آن، نام آن را کنار گذاشتند. کارگاههایی کمتر از ۱۰ کارگر از شمول قانون کار نگذاشتند. معاون وزارت کار می‌گوید این کارگران کلا از شمول قانون

۶۵ و ۶۴ به مدت یک ماه با استفاده از دستمزد و برای کارگرانی که به کارهای سخت و زیان آور استغالت دارند ۵ هفته است، به ۲۱ روز و ۲۴ روز ظاهرا کاهش می یابد و تازه معلوم نیست که دستمزدی به کارگر تعلق بگیرد.

حذف ماده ۷۳، نیزه روز مرخصی کارگران را با استفاده از دستمزد در موقع ازدواج و یا فوت همسر، پدر، مادر و فرزندان، ملغاً نموده است. در مبحث چهارم و پنجم قانون کار در مورد شرایط کار زنان و نوجوانان با حذف ماده ۷۷، انجام کارهای سخت و زیان آور برای زنان باردار بتمامع اعلام شده است و وزن کارگر در حین بارداری نیز موظف می گردد که هر کار سنتگینی را نیز که برای سلامت وی زیان آور و خطرناک است انجام دهد.

با حذف مواد ۸۱ و ۸۲، حادقل هایی را نیز که قانون کار موجود در مورد جوانان کارگر کم سن و سال، در رابطه با تناسب نوع کار با توانایی کارگر نوجوان، آزمایش های پژوهشکی سالانه و نیم ساعت کارکتر داشت، از بین می رود.

مواد مربوط به فصل خدمات رفاهی کارگران تمام از ماده ۱۴۹ تا ۱۵۴ حذف شده اند. لذا کارفرمایان دیگر مکلف به احداث خانه هایی در جوار محل کار، همکاری با تعاقوی های مسکن برای تامین خانه برای کارگران، تامین غذای مناسب برای کارگران کارگاه هایی که دور از مناطق مسکونی اند، ایجاد تسهیلات برای تعاقوی های مصرف، تامین وسیله نقلیه مناسب برای رفت و برگشت کارگران، تسهیلات ورزشی، آموزشی و غیره نیستند.

سرانجام این که مجازات ها و جرائمی که در مواد ۱۷۳ و ۱۷۵ در مورد تخلف کارفرمایان از مفاد قانون کار پیش بینی شده بود، نیز حذف شده اند.

با این نظر گوتاه به ۳۰ ماده ای که رژیم اعلام کرده است کارگران کارگاه هایی کمتر از ۱۰ کارگر از شمول آنها خارج شده اند، روش می گردد که اساساً دیگر چیزی از قانون کار باقی نمانده است که حق و حقوقی برای کارگران کارخانه ها و کارگاه های زیر ۱۰ نفر قائل باشد. وقتی که هرگونه محدودیت ساعت کار برآفتداده باشد، کارگران حتا از یک روز تعطیلی در هفته نیز محروم باشند، کارفرما تحت هر شرایطی که اراده کند و با هر میزان دستمزدی که خود تعیین می نماید می تواند کارگر را به کار وارد و استثمار کند و هر لحظه که اراده کرد، او را خارج نماید، باید گفت که شرایط کار دو سوم کارگران ایران به یک قرن پیش به دوران سلطنت قاجاریه بازگشته است. اما این هنوز پایان تعریض ارتتعاج طبقاتی و مذهبی به حقوق و دست آورده های مبارزاتی یک قرن طبقه کارگر ایران نیست. آنها نخست کارگران کارگاه های کوچک زیر ۵ نفر را از هرگونه حق و حقوقی محروم کردند. اکنون آن را در مورد کارگاه های زیر ده نفر اعمال می کنند و این حقوق را از آنها نیز سلب می کنند و حالا امیدوارند که اگر عمر حکومت اسلامی دو سال دیگر به درازابکشد، "اصلاح طلبان" حکومت به رهبری خاتمی نقش ارتتعاجی خود را تابه آخرایفا کنند و تعریض به حقوق کارگران کارگاه های بزرگ را سازمان دهنند. آنهاز هم اکنون دندان های خود را برای تعرض به حقوق کارگران کارخانه های بزرگ تیز کرده اند.

صفحه از مصوبه شورای عالی کار حکومت اسلامی، حقوق میلیون ها کارگر را از آنها سلب نمود

نمایند و علاوه بر جبران ضرر وزیان وارد، مزد و مزایای وی را نیز بپردازند و نیز آنها را موظف می ساخت تا مشخص شدن تکلیف کارگر، حداقل ۵۰ درصد از حقوق ماهانه او را به طور علی الحساب به خانواده اش پرداخت نمایند. با حذف این ماده، سرمایه دار به سادگی می تواند کارگر را به زندان بیندازد و اخراج کند، بدون این که کمترین هزینه ای برای وی داشته باشد و یا حاتماً موظف به جبران ضرر و زیان کارگر گردد.

با حذف ماده ۲۶ تا ۳۱، کار فرما مجاز خواهد بود، هرگونه تغییری را در شرایط مطالبات و حقوق معوقه و پرداخت "حق سنتات" به کارگری که به اتهام نقض آئین نامه های انطباطی اخراج می شود، سرباز زند. در این موارد، دیگر هیئت های حل اختلاف نیز وجود نخواهد داشت و کارفرما خود تصمیم گیرنده است. اگر کارگاه بر اثر حادث غیرمتوجه تعطیل شد، نهاد سرمایه دار و دولت در مقابل تامین معاش کارگر تعهدی خواهد داشت و نه حتا پیاز راه افتادن مجدد کارگاه، الزام به استخدام مجدد کارگران.

ماده ۳۱ نیز که ناظر برخاتمه قرارداد به لحظه از کارافتادگی کلی یا بازنشستگی و تعهد کارفرما به پرداخت حقوقی به میزان ۳، روز به نسبت هرسال سابقه خدمت بر اساس اخرين مزاد کارگر است، در تغییرات جدید حذف شده است.

با حذف مواد ۴۸ تا ۵۰، دیگر نظام طبقه بندي مشاغل برخواهداشت و مجازات هایی نیز که برای کارفرمایان پیش بینی شده بود، حذف می گردد.

وقتی که دیگر کارگران هرگونه حق و حقوقی محروم شده اند، حذف ماده ۱۲ به ویژه در شرایط کنونی که رژیم کارگر از مدعی موضعیت نیست که کار چیزی جز بیان همین واقعیت نیست و هرگونه حق و حقوقی محروم شده اند. حذف ماده ۱۲ به ویژه در شرایط دلتی را به سرمایه داران بخش خصوصی واگذار می کند و این سرمایه داران خود را موظف به اجرای قراردادها نمی دانند، حربه ایست در دست آنها علیه تمام کارگران. ماده ۱۲، هر نوع تغییر حقوقی در وضعیت مالکیت موسسات را در رابطه قراردادی کارگرانی که قراردادشان قطعیت یافته است، موثر نمی دانست و کار فرمای جدید را قائم مقام تعهدات کار - فرمای ساقی می دانست. حذف این ماده به این این معناست که کارفرمای جدید، هیچ گونه تعهدی در مقابل تعهدات کار فرمای ساقی می دانست. حذف این ماده به این معناست که کارگر را در هر هفته تا ۷۰ روز ۱۲ تا ۱۶ ساعت و در هر هفته تا ۸۰ ساعت به کار وارد و استثمار کند و هر گونه مانعی بر سر راه او نیست. با تغییراتی که در مواد ۵۶ تا ۵۸ ماده ۵۱ قانون کار محدودیت کار روزانه ۸ ساعت و مجموع ساعت کار هر هفته را ۴۴ ساعت تعیین کرده است. حذف این ماده، به این معناست که سرمایه دار می تواند یک کارگر رادر هر روز ۱۲ تا ۱۶ ساعت و در هر هفته تا ۸۰ ساعت به کار وارد و استثمار کند و هر گونه مانعی بر سر راه او نیست. با تغییراتی که در این بندها برای کارگران به شده و حقوقی که در این بندها برای کارگران به رسمیت شناخته شده بود از آنها سلب شده است. از جمله در این ماده است که قدراند کارگرانی که مطابق قانون کار از محدودیت برای اخراج کارگران، منتفي شده است. ماده ۱۶، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ نیز حذف شده و حقوقی که در این بندها برای کارگران به رسمیت شناخته شده بود از آنها سلب شده است. از جمله در این ماده است که کارگرانی که می توانند یادوره سربازی بدون حقوق استفاده می کنند یادوره سربازی را می گذرانند به حالت تعليق در می آید، یعنی پس از این مدت آنها می توانند به سرکار خود باز گردند و سرمایه دار قانوناً مجاز به فسخ قرارداد کار را اخراج کرد، اکنون که سرمایه دار می تواند هر لحظه که اراده کرد، کارگر را اخراج کند و اساساً قرارداد کار معنایی نخواهد داشت، بدیهی است که دیگر بحثی از تعليق یا فسخ قرارداد نمی تواند در میان باشد.

ماده ۱۸ قانون کار، کارفرمایانی را که با شکایات خود، کارگران را به زندان می انداختند، اما این توقيف منجر به محکومیت آنها نمی شد، مکلف می ساخت که مدت بازداشت را جزء سابقه کارگران که بربط مواد

- پیما در ۷ فروردین بزرگ آلمان با مشکلات زیادی مواجه شد و صدها پروازلغو شد. هزاران کارگر این دو میں خطوط هوایی اروپا، از دست مزدهای خود ناراضی اند و خواهان افزایش آنها هستند. مدیران این خطوط هوایی زمانی که در فردای ۱۱ سپتامبر با مشکلات مالی مواجه شده و در آستانه ورشکستگی قرار داشتند. از کارگران خواستند که برای جلوگیری از تعطیل Lufthansa افزایش دستمزدها صرف نظر کنند و در مقابل عده دادند که به محض بهبود شرایط اقتصادی، مذاکرات مربوط به تعیین دستمزدها از سرگرفته شود. اکنون پس از چند ماه و بهبود شرایط مالی، مدیران حاضر به پذیرش خواست کارگران نبودند و با به بن بست رسیدن این مذاکرات در روز ۱۵ ژانویه، کارگران سلاح اعتصاب را برای به سر عقل آوردن کارفرما انتخاب نمودند. به این ترتیب بیش از ۵۲ هزار کارگر این خطوط هوایی برای تحقق خواسته خود که افزایش دستمزدهای میزان ۶ درصد است دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. در مقابل مدیریت Lufthansa با بهانه قراردادن اوضاع بین المللی، اعلام نمود که تنها می تواند دستمزدهای را به میزان ۴ درصد افزایش دهد. مبارزه میان کارگران و کارفرما تازه آغاز شده و اکنون باید دید که نمایندگان کارفرما تاچه مدت می توانند با خواست کارگران به مخالفت بپردازنند.

* اعتصاب کارگران بنادر اروپا

روز ۱۷ فوریه کارگران بنادر اروپایی در اعتراض به افزایش خطر اخراج، انجماد دستمزدها، نزول شرایط ایمنی در محیط کار به طور هم‌زمان دست به اعتصاب زدند. در این روز حمل و نقل کالاهای در بنادر آلمان، اسپانیا، هلند، نروژ، فرانسه و بلژیک متوقف شد و کارگران با برگزاری پیکت لاین و میتینگ و سخنرانی به توضیح مطالبات خود پرداختند. کارگران از دولت‌های خودی خواهان مخالفت با طرح جامعه اروپا مبنی بر "لیبرالیزه کردن بنادر" شدند.

* اعتراض رانندگان تاکسی در یونان

روزهای ۷ و ۸ ژانویه، خیابان‌های شهر آتن و دهای شهر دیگر یونان شاهد اعتراض بیش از ۲۰ هزار راننده تاکسی بود که با توقف اتوبوس‌های خود در مراکز شلوغ و پر رفت و آمد این شهرها، جریان روزمره زندگی را به طور کامل متوقف نمودند. دولت این کشور به تازگی اعلام نمود که در حال تهیه لایحه قانونی است که بر مبنای آن شرکت‌های خصوصی تاکسی‌رانی اجازه تاسیس یافته و علاوه بر این حق تردد در نقاط مرکزی شهر، دیگر تنها مختص رانندگان تعاوی های تاکسی‌رانی خواهد بود. با اعلام این خبر، هزاران راننده تاکسی اعلام نمودند که با این تصمیم دولت مخالفاند و با تمام توان با سیاست‌های خصوصی سازی دولت مقابله خواهند کرد. تنها در شهر آتن بیش از ۱۰ هزار تاکسی با حرکت آرام خود در مراکز مرکزی شهر، تمام ترافیک را در این شهر متوقف ساختند. رانندگان اعتراضی از مقامات دولت خواستند که به جای ایجاد رقابت بین تاکسی‌رانی، فکری به حال شرایط کار دشوار

هزاران فراز کارگران دیگر بخش های مجتمع جنرال الکتریک در همیستگی با برادران و خواهان اعتراضی خود کارهارا تعطیل کردن درمانی شدند. در همین رابطه زمانی که یکی از اعتسابیون زن به نام Kjeston Michelle Rodgers عبور کند و به تجمع اعتراضی کارگران ببینند، توسط یکی از اتومبیل های پلیس، که این منطقه را تحت محاصره در اورد بود، مورد اصابت قرار گرفت و در مقابل چشمان هزاران تن از خواهان و برادران اعتراضی خود کشته شد. انتشار این خبر موجی از تفرق و خشم را در میان اعتصابیون برانگیخت و عزم آنها را برای پیروزی جنم نمود. این حرکت یک پارچه در ۳۰ سال گذشته بی سابقه بود و نشان از افزایش مبارزه جویی کارگران داشت. هرچند کارگران پس از ۲ روز به سر کارهای خود بازگشتند، اما اعلام نمودند که مبارزات آنها تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت.

* اعتصاب فلز کاران در فنلاند

تا پایان سال جاری بیش از ۶۰۰ نفر از Rautaruukki کارگران کارخانه فلز سازی اخراج خواهند شد. خبر کوتاه بود و همراه آن شادی ناشی از تعطیلیات سال تو برای هزاران کودکی که پدران و مادران آنها هر روزه ساعت‌ها در میان آتش و آهن به کارطاقت‌فرسا دست زده و هزینه زندگی خود و خانواده خود را تامین می‌کنند، فراموش شد. آنها خوب می‌دانند که بیکاری پدر و مادر مشکلات زیادی را برای آنها خانواده‌هایشان به همراه خواهد داشت. مدیریت کارخانه، به رسم تمام کار - گزاران سرمایه، ادعای کرد که این اقدام تنهای برای نجات کارخانه‌ها و روشکستگی بوده و به محض روپراه شدن اوضاع، کارگران اخراجی برای استخدام مجدد از اولویت برخوردار خواهند بود. اما همه می‌دانند که این وعده وعید ها تنها برای آرام کردن کارگران و مقابله با حرکات اعتراضی آنها است. و مقامات مدیریت چه خوب مقاومت کارگران را پیش‌بینی نموده بودند. در نخستین گام، "کارگران" کمیته اعتصاب خود را تشکیل داده و این کمیته به فوریت اعلام نمود که در این ۳ روز، کارگران در مقابل درب ورودی این کارخانه ها تجمع کرده و تمام راه های ورودی به این کارخانه‌ها را مسدود نموده و دلیل این حکم خود را به عابرین و رانندگان اتوبوسی توضیح خواهند داد. اعتسابیون یک پارچه اعلان نمودند که مدیریت کارخانه شکر سازی Domino نبودند که با منتقال هرچه بیشتری از بار افزایش هزینه های درمانی به دوش کارگران مخالفت نمودند. بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران مجتمع صنعتی جنرال - الکتریک هم به این اجحافات سرمایه‌دارن اعتراض نمودند. روز ۱۴ ژانویه، بیش از ۲۰ هزارنفر از کارگران جنرال الکتریک ۴۸ کارخانه در ۲۳ ایالت آمریکا را برای مدت ۴۸ ساعت به تعطیلی کامل کشاندند. در اینجا هم کاهش سوبسید های دولتی در امر درمان و بهداشت عمومی، مدیریت این مجتمع عظیم صنعتی را وادار نمود که کاهش سوبسید دولت را با افزایش سهم پرداختی ازسوی کارگران جبران نمایند. این اقدامات خشم کارگران را برانگیخته و کارگران به فوریت دست به تدارک اعتصاب خود زدند.

* اعتصاب کارگران خطوط هوایی در آلمان

روز ۱۶ ژانویه هزاران نفر از کارگران خطوط هوایی Lufthansa دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. با این حرکت، پرواز صدها هوا

اخبار کارگری جهان

* گسترش مبارزات کارگران در آمریکا

سیاست‌های جنگ طلبانه دولت آمریکا از هم اکنون شرایط دشواری را برای میلیون‌ها کارگر این کشور به وجود آورده است. افزایش روز افزون هزینه های نظامی و اختصاص بخش بیشتری از بودجه دولتی در راستای تجهیز هرچه بیشتر ماشین جنگ و کشتار این کشور، در نخستین گام مقامات دولت را وادار نموده که کمک هزینه های بهداشت و درمان عمومی را کاهش داده و پرداخت بخش بیشتری از این هزینه ها را به عهده میلیون‌ها کارگر و زحمتکش این کشور واگذار نمایند. نتیجه این که مراکز تولیدی و صنعتی این کشور یکی پس از دیگری در حال افزایش سهم کارگران از هزینه های درمانی و بهداشتی هستند. این تجاوز آشکار به دستمزد ناچیز کارگران موجی از مقاومت و مخالفت با این اقدامات را در پی داشته است. اولین اعتراض کارگران کارخانه شکر سازی Domino در شهر Baltimore انجام گرفت. روز ۸ دسامبر، کارگران باخبر شدند که مدیریت کارخانه خودسرانه سهم کارگران از بیمه های درمانی را افزایش داده است. کارگران بلاصله دستاکار کشیدند و بیش از ۵۰۰ کارگر اعتراضی اعلام نمودند که با این تصمیم کارفرما مخالفاند و تالغو این تصمیم به سرکارهای خود بازنخواهند گشت. سرانجام پس از ۳۵ روز و انواع کار شکنی ازسوی کارفرما، مدیریت کارخانه با خواست کارگران موافقت کرد و اعلام نمود که سهم هزینه های درمانی کارگران تا سال آینده افزایش خواهد یافت.

اما این تنها کارگران کارخانه شکر سازی Domino نبودند که با منتقال هرچه بیشتری از بار افزایش هزینه های درمانی به دوش کارگران مخالفت نمودند. بیش از ۲۰ هزار نفر از کارگران مجتمع صنعتی جنرال - الکتریک هم به این اجحافات سرمایه‌دارن اعتراض نمودند. روز ۱۴ ژانویه، بیش از ۲۰ هزارنفر از کارگران جنرال الکتریک ۴۸ کارخانه در ۲۳ ایالت آمریکا را برای مدت ۴۸ ساعت به تعطیلی کامل کشاندند. در اینجا هم کاهش سوبسید های دولتی در امر درمان و بهداشت عمومی، مدیریت این مجتمع عظیم صنعتی را وادار نمود که کاهش سوبسید دولت را با افزایش سهم پرداختی ازسوی کارگران جبران نمایند. این اقدامات خشم کارگران را برانگیخته و کارگران به فوریت دست به تدارک اعتصاب خود زدند. صاحبان جنرال الکتریک، که بخشی از محصولات آن در صنایع نظامی این کشور استفاده می‌شود، کارگران را تهدید نموده و از مقامات دولت خواستند که همچون سال - های جنگ جهانی دوم، با حرکات اعتراضی کارگران که به توقف تولید در صنایع نظامی آمریکا منجر می‌شود، باشد برخورد کند و کارگران خاطی را به عنوان "خائن" به زندان محکوم کنند. به رغم این تهدیدات آشکار، این حرکت اعتراضی کارگران با موفقیت انجام شد وعلاوه براین بیش از ۱۹

جهت گیری و چشم انداز نشست مشترک نیروهای کمونیست و چپ

گفتگوی نشریه کار با رفیق م. ایوب

به خروج از این "اتحاد" گرفت، حضور و فعالیت کمابیش منظم داشته و نیز به تناوب مسؤولیت هایی را عهده دار بوده ام، تردیدی نیست که بررسی انتقادی این پروسه و نیز تحلیل روش اzm مشخصات اصلی موقعیتی که ما در آن قرار داشتیم و داریم و اصولاً توضیح علل بنیادین عملکرد و نتایج "نشست مشترک و پراکندگی" موجود و ترسیم چشم انداز های آن حتماً یک ضرورت جدی است. با این همه فکر می کنم این گفتگوی کوتاه، جای بررسی تحلیلی هماین مسایل نبوده و بهتر است عمدتاً بر روی نکاتی متمرکز شویم که به طور ویژه به موقعیت فعلی و روند اکشاف "نشست مشترک" ارتباط مستقیم می یابد. در عین حال، در رابطه با موضوعات مطرح شده، من به سهم خود تلاش کرده ام که طی مطلبی تحت عنوان "بحran فروپاشی و ضرورت تجدید سازمان کمونیستی" که در بولتن شماره ۲ "نشست مشترک" و متناسفانه با پاره ای اشتباها تایپی انتشار یافته است، پاسخ هایی را ارائه نمایم. و علاقمندان می توانند به این نوشته مراجعه نمایند.

در اینجا تنها ذکر این نکته را ضروری می دانم، که آگاهی نسبت به وجود پدیده "نشست و پراکندگی نیروهای کمونیست و چپ" مستقل از درجه اشرف به دلایل بروز آن و نیز علی رغم تعبیر و تحلیل های متفاوتی که از دامنه، چشم انداز و روش برخورد بدان وجود دارد، به عنوان محصول قابل لمس پرایتیک عملی محدود و محصور چپ سوسیالیست و رادیکال ایران قابل بررسی است.

به طوری که طی سالیان متتمدی، در هر تلاش عملی مجموعه پراکنده و انتیز شده این "چپ" دایرہ محدود کنش اجتماعی آن درهیئت زخت و آزار دهنده اش نمودار گردیده و ضرورت راه جویی در برخورد به این معضل فلک کننده را به رخ می کشد.

بنابر این بروز مجموعه ای از تلاش های سپری شده و نیز کوششی که صرف تدارک و تشکیل دو اجلاس مشترک گردیده است، در بدو امر به عنوان واکنشی طبیعی در برخورد به این کنش اجتماعی محدود، نیاز به هوش و حواس سیاسی و قدرت تحلیل خارق العاده، نداشته و ندارد. از آنجایی که علی رغم سeminar های سراسری، "شکل گیری و فروپاشی اتحاد چپ کارگری" و حرکات مشابه دیگری که در همین راستا پیگیری شده اند، بن بست حاصل از بحران عمومی موجود، که به رغم من در تحلیل نهایی ریشه در بحران نظری - سیاسی و پراکندگی کمی گرایش سوسیالیسم انقلابی دارد، هنوز هم بر جای خود باقی است؛ بنابراین ضروری بود تا دور تازه ای از تلاش های نظری و عملی، که به تدارک و تشکیل "نشست مشترک" انجامید، دنبال شود!

ترددیدی نیست که پروسه تجربی گذشته در جریان تدارک پروژه مشترک کنونی، کارکردهای معینی داشته و هم معرفت به دلایل و ابعاد موقعیت کنونی چپ سوسیالیستی جامعه ما و هم روش برخورد به این شرایط فلک کننده تراش خورده و متتحول شده است. با این همه به نظرمن هیچ تضمینی وجود ندارد که "نشست مشترک" الزاماً نقطه ایان قطعی بر موقعیت کنونی بوده و به راه حل نهایی فرار وید! چنین فراگردی قطعاً به تحلیل روش، باور قطعی، اعتماد به نفس و تهور عملی به مراتب بیشتری نیازمند است.

کار-بیش از یک سال است که از برگزاری اولین اجلاس و انتشار بیانیه "نشست مشترک نیروها و فعالیت کمونیست و چپ" می گذرد. اولین سؤال ما از شما این است که با چه پیش زمینه ای در این امر شرکت کرده ایدوانگیزه و چشم انداز شما چیست؟

م. ایوب - ایده دستیابی به وحدت عملی از نوع "نشست مشترک" از سابقه ای بیش از یک دهه، برخوردار است. چنان که محور مباحثات سminar هایی که در آن سال ها، در شهر هانوفر آلمان برگزار می شد و رفقای "اقلیت" نیز از جمله جریانات فراخوان دهنده این سminar ها بودند؛ کماکان معرض "پراکندگی و تشتت" نیروهای "چپ" و کمونیست و ضرورت غلبه بر آن بود.

این معرض در جریان تدارک و برگزاری "نشست مشترک" اول نیز به عنوان ضرورت اصلی در دستور کار قرار گرفت و هنوز هم بر جای خود باقی است. در جریان پنجمین سminar سراسری، فکر ارائه یک راه حل مشخص و عملی در جهت پایان دادن به مسئله "تشتت و پراکندگی" و

جهت گیری از مباحثه و تفسیر شرایط موجود به تغییر آن بارز گردیده و پیشروع نیروهای درگیر سminar را تابعی از خود ساخت. میل به اتحاد که در میان بدنه رادیکال نیروهای "چپ" شدت گرفته و به ویژه درون عناصر منفرد و محافل کوچک آنزمان از گسترش فوق العاده - ای برخوردار بود، متناسفانه پاسخ مناسب از سوی جریانات رادیکال سوسیالیستی دریافت نمی کرد! پیشنهاد "بلوک چپ" رفقای "اقلیت" که در تفکیک از اصول پنجمگانه وحدت حزبی آنان به عنوان نوعی اتحاد دمکراتیک، طرح و دربرابر نیروهای شرکت کننده در سminar ها گذاشته می شد، به درستی با مقاومت اکثریت آنان مواجه گردیده و رد شد. و

نیز طرح خام و ناروشن "هسته اقلیت" که به نظرمن علی رغم بنیادهای تحلیلی درست، در حیطه ارائه آلترناتیو روشن و تبیین دقایق مربوط به مضمون و شکل یک حرکت مشترک و ترسیم چشم انداز های آن اصولاً فاقد ویژگی های یک طرح عملی مشخص بود، نمی توانست و قادر نشد به عنوان راه حلی واقعی، ایفای نقش نماید.

با استفاده از چنین فضایی "راه کارگر" در فاصله میان سminar سراسری پنجم و ششم، بر مبنای آخرین کشف و شهودش که در قالب تز اتحاد بزرگ هوا ران سوسیالیسم "ظاهر شده بود؛ و البته با "قسم حضرت عباس" به "مبازه برای دولت کارگری از همین امروز" تکمیل می گردید. پیشنهاد تشکیل اجلاس مشترکی را که نتیجه اش انتشار فراخوان به ایجاد "اتحاد چپ کارگری ایران" شد؛ ارائه نمود.

این فراخوان که تقریباً همزمان با برگزاری سminar سراسری ششم انتشار یافت، ضمن این که نقطه پایانی برکوشش های سminar های سراسری بود، در عین حال و عملاً به سزارین ایده های دنبال شده از سوی سminar - ها منجر گردید!

به هر حال در پاسخ کنکرت به بخش دیگری از سؤال اول شما، باید بگوییم که من هم در جریان سminar ها و هم در جریان برگزاری نشستی که زمینه سازشکل گیری "اتحاد چپ کارگری" شد؛ و نیز در پروسه حرکت "اتحاد چپ کارگری" تا مقطعی که نشست عمومی "هسته اقلیت" تصمیم

با گام هایی به پیش پر شود و باید امیدوار بود که نشست سوم چنین کند.

کار- نشست مشورتی به چه نتایجی دست یافت؟

م.ایوب- فکرمی کنم نشست مشورتی دستکم در حوزه تحلیل این باور راجمع بندی نمود، که ضرورت دارد، تفاوقات انقلابی، اما کلی اجلس اول، هم در عرصه سیاست ها وهم در حوزه عملی، مشخص و مادی گردد. احتمالاً با همین درک هم ضرورت تدوین یک پلاتفرم سیاسی - صرف نظر از طول و تفصیل و یا اختصار و ایجاد این - و نیز صدور قطعنامه هایی را که تدوین سیاست ها و تاکتیک های اساسی مشترک را امکان پذیر نماید، توسط نشست مشترک جمع بندی شد.

فکرمی کنم تفاوت عمومی موجود بود و حتماً موجود هست که اگر قرار باشد ایده ها و تفاوقات مشترکی از قوه به فعل در آید، لازمه آن سازمان دهی حداقلی از اراده مشترک خواهد بود که درجهت پیشبرد آنها عمل کند؛ و با حرکت از همین ضرورت، طرح حداقلی از ضوابط درونی مشترک مطرح شد. با این همه همیشه از حرف تا عمل فاصله ای که گاه به سختی پر می شود موجود بوده است؛ و فکرمی کنم این تجربه عمومی است که جنبش ما از تنافض گفتار و کردار، صدمه های جبران نایابی به خود دیده است. باید امیدوار بود و تلاش کرد که قرارهای نشست مشورتی، دستکم توسط شرکت کنندگان آن، در عمل پی گیری شود.

واقعیت این است که تاکنون اقدامات انجام گرفته کافی نبوده و ضرورت دارد که در رابطه با همه توصیه های "نشست مشورتی" طرح های کنکرت و روشنی تنظیم گردد و به اجلس سوم ارائه شوند. این حرف اما به هیچ وجه به معنای تفاوت اجباری رفقای شرکت کننده در "نشست مشورتی" و یا اعضاء شورای هماهنگی روی اسناد معین محدود، در رابطه با موضوعات تعیین شده نیست.

قطعاً هیچ مشکلی ایجاد نخواهد شد، اگر مثلاً بر روی مطالبات مشخص پلاتفرم، نظر واحدی شکل نگرفته و دو یا چند فرمول بندی متفاوت برای ارائه به نشست تدوین گردد. باید به قدرت تشخیص و توانایی نشست عمومی اعتماد نموده و در چنین مواردی از تصمیمات اکثریت نشست پیروی نمود.

کار- بیانیه نشست اول از ضرورت دخالتگری در مبارزه طبقه کارگر و تاثیرگذاری برآن صحبت می کند. نشست مشترک تاکنون در این زمینه چه دست آورده داشته و چه موانع عملی در برابر آن قرار دارد؟

م.ایوب- مبنای حرکت آنجا که از فرد به جمع انتقال می یابد، اشتراک بر روی انگیزه هایی است که تنها در قالب نیازمندی ضروری مشخص، می تواند به کنش جمعی درجهت تحقق آنها فرار وید. مشکل "نشست مشترک" در اینجا است که اولاً متأثر از عینیت اجتماعی اش، انگیزه های عمومی اش را از تفاوقات ذهنی و باورهای تحلیلی می گیرد و نه از ضرورت عینی اجتماعی اش و دوماً همین تفاوقات ذهنی، در حرکت از حوزه های عام و مجرد به مقولات روشن و مشخص دچار دست اندازه های ناشی از دلی و تردید می گردد. هر اس از اشتباه نظری، در غیاب فشار عینیت اجتماعی، همیشه می تواند، انگیزه های هر حرکتی را که ضرورت آن نه از حکم زندگی واقعی و حیات اجتماعی، که از باورهای ذهنی صادر شده است، در انتقال از قوه به فعل، سست

امری که متأسفانه با تردید های موجود در میان بسیاری از رفقای ما در پیروزه مشترک همخوانی ندارد. با این همه اکتشاف "نشست مشترک" هر چه که باشد، نمی توان تردید داشت که ما برای مداخله جدی در رویداد های سیاسی ایران و برای این که از محاذ مسدود سوسیالیست های تبعیدی راهی به سوی جریان زنده مبارزات طبقاتی کارگران باز نماییم؛ چاره ای به جز برخورد قطعی با پدیده "پراکنده" و "تشتت" کنونی نخواهیم داشت!

کار- ارزیابی شما از اجلس اول چیست؟

م.ایوب- اجلس اول متاثراً فضای امید به پایه ریزی گشایشی جدی در موقعیت درد آور کنونی تشکیل می شد. امری که کما بیش در حرکات پیشین هم سابقه داشت.

شورحاص از چنین چشم انداز امیدوار کننده ای، به طور طبیعی به "نشست مشترک" اول جلوه ای رفیقانه بخشیده و مباحثات و تصمیمات آن در فضایی صمیمانه و بدون واهمه های ذهنی رایج که متاثر از حصارهای ذهنی باقی مانده از بلوك بندی های نظری - سیاسی گذشته، کماکان نتایج حاصل از تحلیل جهان مشخص کنونی و نیاز های مبارزه برای تحول معین در جغرافیای معینی از آن را آشفته می گذارد، صورت گرفت. لذا اشتباه خواهد بود اگر که شور و شوق موجود در "نشست اول" برای تمامی روند این پیروزه، مفروض تلقی شود. چنین توهمنی کمترین اثر منفی اش ساده انگاری در رابطه با پیشبرد پروسه ای خواهد بود که تنها در پیشگیری تلاشی سخت و از مسیری پر پیچ و خم می تواند به موفقیت نزدیک گردد. صرف نظر از فضای بیان شده، مصوبات نشست اول، به ویژه با توجه به ترکیب گسترده و متفاوت گرایشات حاضر در آن، یک گام جدی در جهت پیش بردن وظیفه ای بود که در برابر همه ما سنگینی می کند.

کار- اجلس دوم را چگونه ارزیابی می کنید؟

م.ایوب- اجلس دوم در مقایسه با "نشست اول" از فضای دیگری برخوردار بود! شور و شوق اولیه فرو نشسته و جو اعتمادی که نه محصول پروسه ای از حرکت مشترک که عمدتاً تحت تاثیر شور حاصل از امید اولیه شکل گرفته بود، جای خود را کما بیش به دغدغه حفظ سنت ها و تحلیل های خودی و اگر شد فرصتی پیش آمد، عمومی کردن آنها، اگر چه کاذب، اگر چه موقت! سپرده بود.

در یک کلام، نشست دوم گامی به پیش نبود، و ما فقط در جای خودمان پا به پا شدیم! ترکیب بدون ضابطه شورای هماهنگی منتخب نشست اول و تدارک بسیار ضعیف اجلس دوم هم در بروز آشفتگی بیان شده سهمی داشت. با این همه برای من نه فضای ذهنی "نشست دوم" و نه ایستایی مقطعی پیروزه مشترک در محدوده ای که پیش آمد نه موجب ناالمیدی است و نه مایه تعجب. راه پیشبرد این پیروزه راهی مستقیم و سهل و آسان نیست. و مکث های موقت جزء غیر قابل تفکیک پروسه تحول بنیادین در موقعیت کنونی است.

در عین حال این دگرگونی بدون نمودار ساختن پیش روی ورشد منظم ممکن نیست! بنابراین ضرورت دارد که خلاء هر مکث و توقفی در مقطعی دیگر

شد. مشکل ما اما ' این است که برای برداشتن گام های بعدی ' یعنی حرکت در جهت راه حل معین ' با بروز تزلزل و تردید روبرو شده ایم. در پاسخ به سؤال قبلی شما ' من سعی کردم در رابطه با خاستگاه این دلیل ها توضیح دهم ' که از قرار معلوم خود این پاسخ به شکل - گیری ابهاماتی منجر شد. بهتر است روی این ابهامات کمی مکثکنیم. تردیدی نیست که مباحثات در خود به هیچ حركتی منجر نمی شود. تئوری محصول پراتیک بوده و چیزی به جز تجربه انباشت شده نیست! پروسه مادی شدن اندیشه، به بیان "مارکس" در پراتیک اجتماعی - جمع بندی این پراتیک و بازگشت مجدد آن به جامعه صورت می پذیرد. و در چنین رابطه ای است که بین تئوری و تغییر، دیالکتیک تبدیل و تبادل جلوگر می شود.

بنابراین با تمرکز بر روی فعالیت ذهنی صرف " نشست مشترک " نه به ذهن فعالی بدل خواهد شد و نه می تواند منشاء حداقلی از دگرگونی مادی گردد!

مشکل مورد بحث در واقع اینجاست که باور مشترک به وجود عملکرد معضلی موسوم به "پراکنده" ... "مجموعه ای را در واکنش اولیه گرد - هم آورد ' حاصل این گرد هم آوری ' یعنی نخستین گام ' توافقاتی شد ' که بدون تردید اتفاقی ' اما کلی است ! جنبه آرزویی و آرامانی دارد نه مشخص و عملی! ازسوی دیگر هنوز معلوم نیست چه نیرویی و چگونه قرار است در جهت تحقق این آرزوها حرکت کند.

معنای موقعيت فعلی ما این است که عناصر " نشست مشترک " در تنهایی نمی توانند پراتیک جدی در جهت تحقق ارزش های اعلان شده داشته باشند و خود این " نشست " هنوز نمی خواهد ! این یعنی تناقض آشکار! و تا زمانی که چنین است. اگر ده بار دیگر هم دورهم جمع شویم. هیچ معجزه ای صورت نخواهد گرفت . بنابراین اولاً می باید ' در رابطه با توافقات نشست اول ' سیاست های مشخصی را که برداشتن گام های عملی در جهت تحقق آنها را روشن می نمایند ترسیم نمود ; و ثانیا حرکت هارمونیک نیروهای گردآمده در " نشست مشترک " را روشن نموده و عملی کرد. درست در همین رابطه ها " نشست مشورتی " توصیه های معینی داشت . پس باید بلاواسطه و بدون واهمه و تردید به اقدامات عملی در رابطه با این توصیه ها مبادرت نموده و با انتکاء به خرد جمعی، جمع بندی های حاصل شده را به محک تجربه عملی بسپاریم ' تنها طی چنین پروسه ای از آزمون و خطأ و نقد و نقد مجدد ' درجه توافقات واقعی و دوری و نزدیکی گرایشات درون نشست تعیین واقعی یافته و تحول کیفی و بروز باورهای قطعی با دوام ' در میان همه و یا بخش هایی از این مجموعه ممکن خواهد شد.

کار- علل نا کامی وحدت های پیشین و از جمله موردی که خود به آن اشاره کردید چه بود . چه عاملی " نشست مشترک " را از این اتحاده امتمازی می کند؟

م.ایوب - پروژه " نشست مشترک " در بنیادهای اساسی خود با تجاری که مرور شد ' از تقاویت کیفی برخوردار نیست. در عین حال و طبعاً لحاظ مضمون ' ترکیب و شیوه های پیشیرد ' متاثر از مجموعه همان تجربه ها از شفاقت بیشتری برخوردار شده است. با این همه همان طور که قبلاً هم اشاره شد ' هیچ تضمینی وجود ندارد که پروژه حاضر ' با کامیابی توان گردیده و نسبت به تجارب پیشین درخروج از بن بست پراکنده ' تحولی کیفی را ممکن نماید.

صفحه ۴

و سترون نماید! در چنین حالتی بروز تناقض میان آرمان و واقعیت ' تعجب آور نیست. پدیده ای که هریک از ما کمابیش در زندگی روزمره فردی خود حتا' بی وقفه تجربه می کنیم.

استحکام نظری و باور قطعی یگانه عاملی است که می تواند اثر عینیت اجتماعی کنونی مارا ' در جریان تدوام این تناقض محدودتر نموده و حرکت واقعی در رابطه با مسائل جامعه و مردمی را که ما به اجرای بعد زمان و مکان از آن فاصله گرفته ایم ' ممکن نماید.

ما به عنوان یک مجموعه در " نشست مشترک " هنوز به باورهای مشترک قطعی و بادوام نرسیده ایم! حرکت ما به حکم ضرورت و پیش از جهت درونی دارد. بنیان این حرکت و جوشش درونی اش ' در واقع در پی کاوش همین باورهایست ; و تا زمان درونی شدن این باورها ما قادر نخواهیم شد به عنوان مجموعه ای که " نشست مشترک " نام گرفته است؛ انرژی گروهی آن را به بیرون از خودش کانالیزه نموده و کیفیت تازه ای را در حرکت و مبارزه پی رینی نمائیم.

به نظر من ' اگر ما تاکنون در رابطه با موضوعات مورد پریش شما عمل - کرد قابل توجهی نداشته ایم ' ریشه در همین حقیقت داشته و دارد . و اصولی است که اتفاقاً به خاطر ضرورت آزاد شدن این انرژی فرو رفته در خود و فراهم کردن زمینه های واقعی یک دخالت اجتماعی موثر در روی - داده ای سیاسی ایران ' در جهت آگاه کردن این روند اجرایی و کوتاه نمودن پروسه آن تلاش نموده و دستیابی به باورهای مشترک و مشخص را ممکن نمائیم. امیدوارم که چنین چشم اندیزی در جریان تحول مشت " نشست مشترک " گشوده شود ' و گرنه تردیدی نیست که کمابیش با ترکیبی از همین نیروها و در زمانی دیگر ' که شاید در رابطه با برخی فرستاده ای اجتماعی دیرخواهد بود؛ مجبور به آغاز مجدد همین پروسه خواهیم بود.

کار- چه باید کرد تا چنین چشم اندازی در مقابل " نشست مشترک " گشوده شود؟ آیا ما باید آن قدر در " درون " به بحث و کاوش بپردازیم تا به " باورهای مشترک قطعی و بادوام " برسیم. یادر جریان پراتیک مشترک است که می توانیم به چنان توافقات و مشترک نظری دست یابیم که برمبانی مستحکمی استوار باشند؟

م.ایوب - به نظر من در درون " نشست مشترک " به عنوان مجموعه متفاوتی از گرایشات نظری - سیاسی؛ تا این مقطع معین ' هنوز رابطه کیفی مشخصی که برمبانی آن کارکرد بهم پیوسته و موزون عناصر تشکیل دهنده آن امکان پذیر شود ' شکل نگرفته است.

منظور من از این رابطه صرفاً بعد تشکیلاتی ندارد ' بلکه پیش از آن به رابطه مضمونی با درنظر گرفتن همه محدودیت های ناگزیرش توجه دارم. نبود این رابطه باعث می شود ' قراردادهای جمعی در همان چهارچوب - های مورد توافق حتا' از نیروهای مادی مشخصی ' برای تبدیل شدن به پراتیک معین برخوردار نباشد.

در واقع " نشست مشترک " کماکان و در بهترین حالت ' یک جمع جبری است، و نه یک نیروی مادی هارمونیک ! به همین دلیل کارکرد فعلی اش بازتاب " پراکنده " در جلوه کانالیزه شده ی آن است. بیان میل به اتحاد است و نه جلوه عملی شده اش! بدین سان " نشست مشترک " هنوز راه حل روش و مشخصی در برابر معضل پراکنده نیست ' نخستین گام است. به این اعتبار که برای برخورد آگاهانه با این معضل ' در قدم اول می باشیست هم خود " پراکنده " و هم مقابله با آن تمرکز می یافت ' این امر به عنوان محصول سالها تلاش و تجربه در " نشست مشترک " اول عملی

دو شعر از بروتول برشت

امید بستگان

به چه امید بسته اید؟
به این که کران، به سخنان شما گوش بسپارند؟
آزمدانا
به شما چیزی ببخشند؟
گرگ ها به جای دریدتان، به شما غذایی بدنهند؟
و ببرهای درنده
به مهربانی از شما دعوت کنند
که دندان هایشان را بکشید؟
به این امید بسته اید؟

پیش سیاسی

بردریاچه شهر، ساعتها قایق می رانند.
و من، به راستی، با دیده خشم به این کار می نگرم.
قایق رانن، زمانی که انسان، سراپا و امداد است،
در چنین دستگاه حکومتی، که از بن، ناخواسته است.

ازصفحه ۳
نکته حائز اهمیت این است که اگر چنین نشد، به یقین و به اعتبار همان شفافیت‌ها، سهم خطای تئوریک و سنتی انگیزه‌های انقلابی این بار به مراتب بیشتر بوده و به همان میزان دست اندکاران این تجربه معین شایسته نکوهش بیشتری خواهد بود.

باید قبول کرد که "نشست مشترک" اگر چه تنها پاسخ ممکن به پدیده "پراکندگی و تشتت" چپ سوسیالیستی ایران نیست، ولی مناسب ترین راه ممکن است. این پروژه پاسخ مستقیم سر راست و ساده باز سازی گرایش سوسیالیسم انقلابی نیست. چرا که چنین پاسخ مستقیم و صاف و ساده ای اصولا وجود ندارد!
تجدید سازمان گرایش سوسیالیسم انقلابی، با توجه به عملکرد بحران، سنت‌ها، تجارب و تحول متفاوت و ناموزن گروه‌های مازی خواهد گذاشت. لذا تأکید بر روی و دهها عامل دیگر، از پژوهش‌های مازی خواهد گذاشت. اگر "نشست مشترک" مابه ازاء حزب طبقه کارگر ایران نیست و نمی‌تواند باشد، این امر به این مفهوم نیست که در درون آن و در میان اجزاء تشکیل دهنده اش، وحدت های نوع حزبی امکان پذیر نخواهد شد. یکی از ویژه گی های ناگزیر این دوران، بازبینی و بازنگشتن انتقادی پروسه گذشته جنبش کمونیستی و تجارت بر جسته آن است. نتیجه این بازبینی به شرط جوهر انقلابی نقد، باز-آفرینی خواهد بود، و از آنجا که نقد انقلابی، مقوله ای ایده‌آلیزه و مجرد نیست، بنابراین همه جنبه‌های مشخص و مشترک آن، طی روندی از پراتیک انقلابی، به حکم ضرورت، می‌بایستی جمع بندی گردیده و سازماندهی شود.
درست از همین زاویه پروژه نوع "نشست مشترک" از مناسب‌ترین انطباق لازم با موقعیت نا به سامان کنونی برخوردار است.

کار- به نظر شما برنامه عمل "نشست مشترک" چه باید باشد؟

م.ایوب - رئوس این برنامه عمل را مازطريق "هیئت نمایندگی هسته‌اقایت" ارائه کرده ایم، که همراه با پیشنهادات رفقای دیگر در بولتن شماره ۷ انتشار یافته است. به نظر من وجه اشتراک مجموعه پیشنهادات ارائه شده، بارها بیشتر از وجه تفاوت آنهاست، و ما اگر بر موانع مهم‌تری که مطرح نمودم غلبه نمائیم، در رابطه با تدوین برنامه عمل نمی باید دچار مشکل جدی شویم.

کار- چشم انداز "نشست مشترک" از دید شما چیست؟

م.ایوب - در رابطه با این سؤال فکر می‌کنم در طول این گفتگو و به مخصوص در پاسخ به سؤال هفتم، صحبت شده است و پاسخ جداگانه، حتما به تکرار منجر خواهد شد.

در خاتمه می خواهم به سهم خود از تشکیلات شما اول به خاطر تلاشی که در جهت روشن شدن موانع حرکت مشترک و گشودن مسیر پیش روی آن آغاز کرده است، قدردانی نموده و دوم به خاطر فرصتی که در این رابطه در اختیار من گذاشته شده است تشکر نمایم.

به سردی می‌اندیشم؛ همین گونه مطربی کنید، و فقط این گونه قایق برانید.
من براین اعمال، تف می‌اندازم، آری؛ اما بیش از این مرا چه کار؟
من از سال‌ها پیش، این چنین تماشاگری بی خیال بوده‌ام.
مردم «ارکنی»، آن طور که در «از قطب به قطب»* روایت شده زندگی‌شان به شستن رخت‌هاشان می‌گذشت. آری،
تنها به همین گونه تماشاگر باش، تنها به همین گونه چند سالی بگذران.
آشوری‌ها و بابلی‌ها هم
قایق‌ها رانند.
* «از قطب به قطب» کتابی از سون هدین، جهانگرد سوئی.

گزارش ILO و نامه نمایندگان کارگران نفت پیرامون تشکل‌های کارگری

نگاران، به طور عموم هد کارکنان مطبوعات بلکه صاحبان مطبوعات هستند و در این جمیع صنفی رانندگان و سائل نقلیه سکین نیز صاحبان کامیون ها در مقابل رانندگان از اکثریت مطلبی مطلع بخواهند.^۱ گفته شده است که این دو تشکل ساخته احزاب سیاسی بوده و تشکل واقعی کارگری نیستند^۲ و بدین ترتیب قضایا بر قرار داده شوند. هیئت ILO را مورد سوال قرار داده و آن را تادرست داشته اند.

ازدیگر موضوعاتی که کارگران در نامه خود به آن اشاره کرده‌اند، اختراض به محدودیت های تاکنونی در مورد ایجاد تشکل های کارگری در صنایع بزرگ ازجمله صنعت نفت است. نویسنده‌گان نامه با یادآوری این نکته که "طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هرگونه تشکل در صنایع بزرگچون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تا کنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است" خواهان این شده اند که اولاً تمامی مواردی که به نحوی از انجاء مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیراowedولوژیک کار -گران" است، از قانون کار حذف شود، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل های مستقل خود را بر مبنای مفاوضه نامه‌ها و توصیه نامه‌های ILO به وجود آورند و دوماً خواستار آن شده اند که ILO مقدمات برگزاری یک مجمع عمومی آزاد برای ایجاد اتحادیه های مستقل کارکنان صنعت نفت، با نظارت مستقیم نماینده‌گان سازمان بین-المللی کار و اتحادیه های آزاد بین المللی" را فراهم کند تا از دخالت نیروهای غیر کارگری، نیز مانعت به عمل آید.

این که LO در قبال نامه نمایندگان کار-گران نفت چه واکنشی از خود نشان خواهد داد و این که دولتو مجلس جمهوری اسلامی، چگونه و تاکجا به دست کاری قانون کار خواهد پرداخت و احیاناً چه قانون و مقررات جدیدی ناظر بر تاسیس و فعالیت تشکل‌های کارگری تدوین خواهد نمود؛ این ها همه بعد روش تر خواهد شد. اما این چه که از همین امروز روش است، این است که عمر شوراهای اسلامی و خانه کارگران نظر دولت حاکم به سر رسیده است. سرمایه‌داران داخلی (و شرکاء خارجی آنها) و دولت به عنوان پاسدار منافع این طبقه، در راستای تامین نیازهای منافع این طبقه است که دارندست از سر این تشکل‌ها بر می‌دارند و دست

برداشتنه اند. جناح‌های حکومتی به رغم اختلافاتی که بر سراین موضوع ممکن است با همداشته باشند و فراتر از جناح ها، کل حکومت اسلامی در عدد آنند تشکل های مطیع و گفتار شده ای ائمه از بالا و بدون دخالت کارگران ایجاد کنند. این مسئله مثل روز روشن است که هیچ طرفی - همان طور که در الگوی مورد تائید و توصیه ILO که دولت هم از آن طرف داری می‌کند نیز این موضوع انعکاس یافته است- به غیر از خود کارگران، دنبال ایجاد تشکل های واقعاً مستقل و واقعاً آزاد کارگری که از پایین و توسط توده های کارگر و به ابتکار خود کارگران شکل بگیرد نیستند. با علم به این قضیه است که کارگران همچنان باید بر حق خویش به برقایی تشکل های مستقل و سراسری، بدون دخالت دولت و بدون دخل و تصرف تشکلهای فرمایشی تاکید کنند. اگرکه در موقعیت و شرایط ویژه فعلی اوضاع را به سود این روند، یعنی برقایی تشکل های واقعاً مستقل کارگری می‌بینند؛ از آن استفاده کنند و تشکل های خویش را سازمان دهند.

شکل خاص تشكیل کارگری یعنی انجمن‌های صنفی که جبهه دوم خرداد نیز از آن دفاع و طرفداری می‌کند تأثیر و بران تاکید و پیژه شده است. در این مورد، گزارش چنین می‌نویسد: «برای هیئت مشخص شد که تشكیلات انجمن صنفی در تمام سطوح (واحد کار، صنعت، منطقه و ملی) بهترین نمونه برای تحصیل این آزادی و استقلال است» و به عنوان نمونه‌هایی «خوب» تازه تاسیس شده این نوع انجمن‌های صنفی، ازانجمن‌صفی روز-نامه نگاران و انجمن‌صفی رانندگان نام می‌پردازد. در همین راستا، هیئت اعزامی ILO از آنجا که نهی تواند موجویت شوراهای اسلامی و خانه‌کارگر را انکار نماید، به گردانندگان واعضاء این ارگان‌ها، تاسیس این گونه «انجمن»‌ها و انباطق با آن را توصیه می‌کند و البته که دست اندکاران این تشكیل -هانیز- ضمن تلاش برای به انتباطق کشیدن خود با وضعیت جدید، پروسه استحاله‌خویش را آغاز کرده‌اند وکم و بیش دارند به توصیه های ILO عمل می‌کنند. كما این که از مقطع سفر هیئت ILO به این طرف، «خانه کارگر» دست به کارآیجاد چندین انجمن شده و ILO ارا نیز در این زمینه به یاری طلبیده است. معهده‌ذا توصیه هیئت اعزامی ILO به این خلاصه نمی‌شود. هیئت ILO ساده‌ترین و مستقیم‌ترین راه رسیدن به «انجمن و تشكیل صنفی» را، اصلاح تصره ۴ از ماده ۱۳۱ قانون کارمی‌داند به نحوی که در نهادنگی اشکال مختلف تشكیل های کارگری، انتصار حق و پیژه وجود نداشته باشد. در تبصره پادشاهی چنین آمده است: «کارگران یک واحد، فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کار -گران را داشته باشند». هیئت اعزامی ILO ضمن توصیه به حذف کلمات «فقط» و «ای» از این تبصره خواهان تدوین قانون و مقررات تشكیل های صنفی که حق کارگران را در ایجاد تشكیلاتی به انتخاب خودشان بدون محدودیت های قبلی به رسمیت بشناسد، شده است.

مجموعه‌ی خوردهای هیئت اعزامی ILO به مسائل و تشكیل های کارگری، خصوصاً الگوی مورد تأثیر و توصیه این هیئت یعنی انجمن صنفی مدل انجمن صنفی رانندگان و روزنامه نگاران، نامه اعتراض گونه شماری از نهادنگان کارگران شرکت نفت را دریی داشت، در این نامه که خطاب به کارشناسان سازمان بین المللی کار، برناردن جرنیگان و «کرن تکنیس» نوشته شده و علی پیچگاه، نماینده شورای متعدد پالایشگاه تهران در شورای کارگران صنعت نفت، محمد صادق خرم، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه شیراز در شورای صنعت نفت، عبد الرسول فقهزاده، نماینده شورای ابزار دقیق پالایش -گاه تهران، کیومرث شهنی، دبیر سندیکای کارگران انبارنفت ری، خطوط لوله و مخابرات صنعت نفت، یدالله خسروی، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه تهران در شورای صنعت نفت آن را امضا کرده‌اند، از شوراهای اسلامی کار که در غیاب تشكیل های مستقل کارگری خود را نماینده کارگران جازده‌اند، به عنوان نهاد های «کاملاً دولتی و ایدئو-لوژیک» یاد شده و دخالت سران و دست ادری کارگران این «شوراهای» در امور کارگری مکحوم شده است. امضا کنندگان نامه همچنین خواستار تشكیل تشكیل های مستقل کارگری شده اند. در این نامه همچنین به گزارش هیئت ILO در مورد انجمن های صنفی روز-نامه نگاران و رانندگان، برخورد انتقادی شده است و با عنوان کردن این موضوع که "تشکیل دهنگان انجمن صنفی روزنامه

فرمایشی حمایت می کردن و به مثابه از جا سوسی، فشار و سرکوب و ایجاد تفرقه در میان کارگران از آن استفاده می کردد نبایز این طور به نظر می رسد که برخی فاکتورها تغییر کرده است به نحوی که حفظ و تداوم کار این تشکل هارا، در شکل و شما پل تاکنونی دیگر با خواست و منافع خود ناهمخوان می بینند. اکنون چند سالی سمت که عمر مفید این تشکل ها لامثل از نظر یک جناح حکومتی به سر رسیده است. شوراهای اسلامی و خانه کارگر، در تامین نیازها و منافع سرمایه در محیط کار و مناسبات مرتبه، کارآیی خود را به کلی از دست داده اند و دولت، زمینه برچیده شدن آنها را به پاری فرستادگان سرمایه بین المللی دارد فراهم می کند تا چیزی را که بانیازهای لحظه فعلی سرمایه مطابقت کند چایگزین آن سازد و منافع سرمایه را خارج از تشویش ها، نامنی ها و نگرانی های محیط کار تامین و تضمین کند. از همین روست که در گزارش هیئت اعزامی ۱۶۰ هر چند با رعایت حداقل محافظه کاری و هر چند در مرحله نخست ده بااظهار نظر مستقل و مستقیم، بلکه با استناد به حرفا های کسانی که اعضاء هیئت با آنان ملاقات داشته است، اما به هر حال به سؤوال هایی که فوقا بدان اشاره شد، پاسخ منفی داده می شود.

از نظر سرمایمچه در عرصه داخلی، چهین‌المللی، سازمان‌دهی مناسبات بین کارگر و کارفرما، مستله ایجاد تشکل‌ها کنترل شده، بدون حشو و زوائد و محدودیت‌های تاکنونی به ویژه مستقل از چارچوب‌های "ایدیولوژیکی" به یک ضرورت فوری تبدیل شده است. دولت جمهوری اسلامی، به یک معنا جبهه دوم خرداد در عرصه داخلی و ILO در عرصه بین‌المللی دو جانب این قضیه، برسر این مسئله توافق عمومی داردند. از همین روزت که اگر در گذشته ای نه چندان دور، دولت نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار را در قالب هیئت‌های کارگری به عنوان یگانه نمایندگان کارگران به کنفرانس‌ها و اجلاس‌های ILO می‌فرستاد و ILO نیز اسالیان متمادی این هیئت‌ها را می‌پذیرفت، اکنون هردو جانب دارند حرف‌های دیگری می‌زنند و از این موضوع برگشته اند و یا دارند برمی‌گردند. نه دولت، این تشکل‌ها را به عنوان "تنها نهاد و کارگزار اصلی کارگران" می‌شناسند و نه ILO، و علاوه بر آن درگزارش ILO از "آزاد" نبودن و مستقل نبودن این تشکل‌ها نیز صحبت می‌شود و صریحاً قید می‌شود که شوراهای اسلامی، بدون انجام اصلاحات اساسی در قوانین حاکم بر تاسیس و فعالیت آنها، نمی‌توانند کاملاً نقش آزاد و مستقل نمایندگی کارگری را ایفا کنند و کاشف به عمل می‌آید که این تشکل‌ها در وزارت کشور به ثبت رسیده اند که مسئولیت ثبت احزاب سیاسی را عهده دار است، نه در وزارت کار و به عنوان تشکل‌های صنفی. بهر رو به رغم محافظه کاری‌های معمول هیئت اعزامی ILO، ارزیابی این هیئت‌که درگزارش انعکاس یافته مبتنی بر این است که وضعیت جاری در سطح واحد کار، ناقص مفهوم واقعی آزادی انجمن مندرج در مقابله نامه شماره ۸۷ سازمان بین‌المللی کار است.

به رغم این اما در گزارش هیئت ILO یک

جمهوری اسلامی - شوراهای اسلامی

است. و سرانجام در روزهای بعد اعلام کردند که ۲۱۰ هزار نفر نامزد شوراهای اسلامی شهر و روستا شدند. البته این ارقام چه واقعی باشند و چه نباشد تغییری در ماهیت ضد دمکراتیک انتخابات و قلابی بودن شوراهای اسلامی شهر و روستا به وجود نمی آورند. اما اگر رژیم جمهوری اسلامی، برطبق ادعاهای دوجناح اصلیش، واقعاً دارای پایگاه مردمی بود، قاعده‌تا می‌بایستی صدها هزار نفردا اوطلب عضویت در همین شوراهای بی‌یال و دم و اشکم می‌شدند.

از ارقام و تعداد ثبت نام شدگان که بگذریم به مسائل دیگری می‌رسیم که از پایان ثبت نام داوطلبان تا روز انتخابات، نهم اسفند در راهند. نخست این که بسیاری از افراد سرشناس دوم خردادر و وابسته به ملی- مذهبی‌ها و نهضت‌آزادی که ثبت نام کرده‌اند رد صلاحیت خواهند شد و کسری نامزدان را اندکی بیشتر خواهندکرد. دیگر این که موضع و صفت بندهای دو جناح اصلی رژیم اساساً این انتخابات را با چالش‌های جدی رو به رو خواهد کرد. به نظرمی‌رسد که جناح رسالتی‌ها - موتلفه اسلامی در حال تکرار تاکتیک انتخاباتی آخر ریاست جمهوری است. این جناح از سوی خواهان شرکت‌گسترده مردم در این انتخابات است و از سوی دیگر ظاهرا لیست‌هایی با نام و نشان خود را ارائه نمی‌دهد. این جناح رسواتر از آن است که حتا در چارچوب انتخابات ضد دمکراتیک اسلامی خود را محک بزنده و ترجیح می‌دهد بدون آن کماکان بر ارکان اصلی قدرت تکیه بزنده. اما این‌جناح به شدت نگران سردی و تحريم گسترده این انتخابات است. این موضوع را سرمقاله‌ی روزنامه "جمهوری اسلامی" در ۱۶ دی چنین مطرح کرد: "قطعاً رکود بازار انتخابات شورا - ها موجب خوشحالی دوست داران کشور و انقلاب و نظام جمهوری اسلامی خواهد بود." روزنامه‌ی رسالت هم از زبان سرمقاله‌ی نویس خود در ۲۶ دی پیشنهاد کرد که "حادثه" پایان یافته "تلقی شود و کمیته‌ای از شوه رژیم تشکیل گردد تا مردم از تبعات این شکست آگاه گرددن تا هرچه گسترده‌تر در انتخابات آینده شرکت کنند.

از سوی دیگر گروه‌های هجدۀ گانه جبهه‌ی دوم خرداد در درون خود دچار تشتت هستند. هیچ یک از اعضاء مجمع روحانیون ثبت نام نکرده‌اند. نخست سران جبهه دوم خرداد در ۱۵ دی ماه بدون نتیجه پایان یافت. کار - گزاران سازندگی که خود نتوانستند غلام حسین کرباسچی را راضی به ثبت نام کنند، نجواهایی را سر داده اند که احتمالاً لیست مشترک با مشارکتی‌ها یا حزب همبستگی اسلامی را خواهند داشت. ملی - مذهبی‌ها گفته‌اند که لیست مستقل خواهند داد و احتمالاً عنصری از همین انتخابات آزادی درصورت رد صلاحیت نشدن مستقلان در انتخابات شوراهای اسلامی شرکت خواهند کرد.

به نظر می‌رسد که دو میان دور انتخابات شورا - های قلابی شهر و روستا تبدیل به رسایی بزرگی برای جمهوری اسلامی بشود. وظیفه‌ی نبروهای چپ انقلابی ایران دعوت عموم مردم به تحريم گسترده این به اصلاح انتخابات و پر رنگ تر کردن هر چه بیشتر این رسایی است. عدم شرکت توده‌های مردم ایران در انتخابات می‌تواند روحیه تازه‌ای به مبارزات عمیق‌تر آنان برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بدهد تا پس از آن بتوان شورا - های واقعی را تحریب کرد. شورا هایی که مستقیماً اعمال قدرت خواهند کرد و اختیار عزل و نصب تمامی نمایندگان را از دلیل تا صدر به محض تخطی از وظایف خواهند داشت.

از مقررات ارجاعی دیگر نهادهای جمهوری اسلامی ندارد. برطبق این مقررات تنها کسانی حق نامزد شدن و انتخاب شدن دارند که التزام اساسی اسلامی پای بذنبشند. ساختار و تشکیلات شوراهای اسلامی هم حقیقتاً مضحك و مسخره است. مثلاً در مجلس شورای اسلامی تعداد نمایندگان تهران ۳۰ نفر است در حالی که در شوراهای اسلامی این شهر ۱۵ نفر است! شوراهای اسلامی شهر و روستا نه فقط دارای اختیار نیستند بلکه می‌توانند هر لحظه توسط وزارت کشور منحل هم بشوند. همان‌گونه که در دوره‌ی چوب نرم های دست و پا شکسته‌ی یک رژیم خاتمه جنی شد و وزارت کشور دولت خاتمه چند شورا را منحل کرد . کشمکش‌ها و مجادلات شورای اسلامی شهر تهران که تازه در اختیار دوم خردادریها هست آن چنان مسخره شده که می‌توان چندین جلد اثر طنز آمیز بر اساس آن نوشت. دیگر مدت هاست که حتا جلسات‌این شورا برگزار نمی‌شود و پا در میانی‌های وزیر کشور یا مشاور خاتمه هم کار ساز نموده‌اند. سرانجام در روز ۲۴ دی، شورای اسلامی شهر تهران توسط "هیئت مرکزی حل اختلاف" منحل شد و در روزهای بعد دو یکدیگر انداختند! معلوم نشد که این هیئت چگونه اتوریته‌ی اتحال یک شورا را کسب کرده است، اما آن چه روش شد این بود که جناح اصلی شورا را به گردن یکدیگر انداختند! معلوم نشد که دور و بر او را گرفته بودند این واقعیت را از همان نخستین انتخاباتی که برگزارکرده‌اند، یعنی همه پرسی ۱۲ فوریه ۱۳۵۸، بهجهانیان نشان دادند.

در انتخابات رژیم جمهوری اسلامی نه فقط جایی برای احزاب مخالف جدی بلکه برای گروههای اپوزیسیون نمی‌علنی که خبرو صلاح رژیم را ازدیدی دیگر می‌خواهند هم نیست. حمینی و دارو دستیار که دور و بر او را گرفته بودند این واقعیت را از همان نخستین انتخاباتی که برگزارکرده‌اند، یعنی همه پرسی ۱۲ فوریه ۱۳۵۸، بهجهانیان نشان دادند. در این به اصلاح همه پرسی با یک پرسش "جمهوری اسلامی آری یا نه" نظر رای دهنگان را در مورد نظام جایگزین سلطنت خواستار شدند.

در آن زمان تنها نیروهای سیاسی چپ انقلابی با قاطعیت این مضمون را تحریم کردند. پس از آن هم رژیم جمهوری اسلامی برگزاری انتخابات ضد دمکراتیک را با تحقیق دانشجویان رشته برنامه‌ریزی دانشگاه فردوسی مشهد ۷۰ درصد مردم این شهر تعداد اعضا ای را نمی‌دانند. در تبریز ۶ عضو شورای اسلامی شهر مدت هاست در جلسات آن شرکت نمی‌کند. در خرمشهر رئیس شورا نزدیک به یک سال پیش استعفا کرد و رفت. در تربت حیدریه یکی از اعضا شورا را به جرم شرکت در چنین اوضاع و احوالی بود که ثبت نام از نامزدهای دوین دور شوراهای اسلامی از روز نهم دی ماه آغاز و تا ۱۵ دی ادامه داشت. اما تمام خبرهایی که از ثبت نام داوطلبان منتشر شد نشان از آن داشت که آنانی که در دور پیش نامزد شده، موفق به گذر از فیلترهای احراز صلاحیت گشته و انتخاب شده بودند نیز دیگر رغبتی به ثبت نام دوباره نداشته‌اند. تا پایان ساعت اداری دوازدهم دی ماه فقط ۵ هزار نفر عضو برای شوراهایی که از فرید ۱۳۷۶ برگرسی ریاست جمهوری اسلامی تکیه زد و برطباط اصلاحات در چارچوب نظام اسلامی کوبیده شد، بورژوازی داخلی و بین‌المللی مدعی شدند که می‌توان تغییر و تحولاتی را در ایران با توصل به انتخابات موجب گشت . بدین جهت این طبقه‌که دلت ازبیه میدان آمدن و مبارزه‌ی مستقیم و آشکار توده های مردم به هراس افتاده بود ، با استفاده از پایگاه داخلیش و شیپور های برون مرزی، از قبیل رادیو های فارسی زبان برون مرزی و به ویژه رادیوهای دولت - های اروپایی، هریار که موعد انتخاباتی فرا رسید بر این توهمند دامن زد که هزارا انتخابات آینده مشکل گشایه خواهد بود. این چنین بود که مردم را به شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی فراخواندند. هر چند که دوم خردادری - ها در مجلس شورای اسلامی اکثربیت را به دست آورده‌اند اما در عمل نشان دادند که حتا اختیار تغییر یک قانون پیش با افتاده مانند قانون مطبوعات را هم ندارند. در مورد شورا - های اسلامی شهر و روستا گفته شد که اولاً رئیس‌جمهور اصلاح طلب است که این اصل مغفول قانون اساسی را به شرکت در انتخابات با راه اندازی "پارلمان های محلی" مردم را بر مقدرات اشان حاکم سازد و ثانیاً از آن جایی که این به اصلاح شوراهای دهها هزار نفر را در بر می‌گیرند پس حتماً بخش هایی از نیرو - های مستقل همی‌توانند در آن شرکت کنند و رای بیاورند . اما نگفتند که مقررات نامزد شدن در انتخابات همین شوراهای دست کمی

رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه به رای و نظر مردم اهمیت نداده است، اما امروزه درون آن طیفی پدیدار گشته است که برای نجات نظام خود را اصلاح طلب و طرف دار مردم سالاری، آن هم از نوع موهوم دینی اش می‌دادند. و برگزاری انتخابات را برخان مردم سالار بودن رژیم کرده است.

رژیم که می‌توان نمی‌توان نفی کرد اما از این به اصلاح انتخابات حتا در چارچوب نرم های دست و پا شکسته‌ی یک رژیم متعارف سرمایه‌داری هم نبوده است. در انتخابات رژیم جمهوری اسلامی نه فقط جایی برای احزاب مخالف جدی بلکه برای گروههای اپوزیسیون نمی‌علنی که خبرو صلاح رژیم را ازدیدی دیگر می‌خواهند هم نیست. حمینی و دارو دستیار که دور و بر او را گرفته بودند این واقعیت را از همان نخستین انتخاباتی که برگزارکرده‌اند، یعنی همه پرسی ۱۲ فوریه ۱۳۵۸، بهجهانیان نشان دادند. در این به اصلاح همه پرسی با یک پرسش "جمهوری اسلامی آری یا نه" نظر رای دهنگان را در مورد نظام جایگزین سلطنت خواستار شدند.

در آن زمان تنها نیروهای سیاسی چپ انقلابی با قاطعیت این مضمون را تحریم کردند. پس از آن هم رژیم جمهوری اسلامی برگزاری انتخابات ضد دمکراتیک را با وضع شوراهای اسلامی دریگر ناقط ایران نیز بهتر نیست. بر اساس یک تحقیق دانشجویان رشته برنامه‌ریزی دانشگاه فردوسی مشهد ۷۰ درصد مردم این شهر تعداد اعضا ای را نمی‌دانند. در تبریز ۶ عضو شورای اسلامی شهر مدت هاست در جلسات آن شرکت نمی‌کند. در خرمشهر رئیس شورا نزدیک به یک سال پیش استعفا کرد و رفت. در تربت حیدریه یکی از اعضا شورا را به جرم شرکت در چنین اوضاع و احوالی بود که ثبت نام از نامزدهای دوین دور شوراهای اسلامی از روز نهم دی ماه آغاز و تا ۱۵ دی ادامه داشت. اما تمام خبرهایی که از ثبت نام داوطلبان منتشر شد نشان از آن داشت که آنانی که در دور پیش نامزد شده، موفق به گذر از فیلترهای احراز صلاحیت گشته و انتخاب شده بودند نیز دیگر رغبتی به ثبت نام دوباره نداشته‌اند. تا پایان ساعت اداری دوازدهم دی ماه فقط ۵ هزار نفر عضو برای شوراهایی که از فرید ۱۳۷۶ برگرسی ریاست جمهوری اسلامی تکیه زد و برطباط اصلاحات در چارچوب نظام اسلامی کوبیده شد، بورژوازی داخلی و بین‌المللی مدعی شدند که می‌توان تغییر و تحولاتی را در ایران با توصل به انتخابات موجب گشت . بدین جهت این طبقه‌که دلت ازبیه میدان آمدن و مبارزه‌ی مستقیم و آشکار توده های مردم به هراس افتاده بود ، با استفاده از پایگاه داخلیش و شیپور های برون مرزی، از قبیل رادیو های فارسی زبان برون مرزی و به ویژه رادیوهای دولت - های اروپایی، هریار که موعد انتخاباتی فرا رسید بر این توهمند دامن زد که هزارا انتخابات آینده مشکل گشایه خواهد بود. این چنین بود که مردم را به شرکت در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا و مجلس شورای اسلامی فراخواندند. هر چند که دوم خردادری - ها در مجلس شورای اسلامی اکثربیت را به دست آورده‌اند اما در عمل نشان دادند که حتا اختیار تغییر یک قانون پیش با افتاده مانند قانون مطبوعات را هم ندارند. در مورد شورا - های اسلامی شهر و روستا گفته شد که اولاً رئیس‌جمهور اصلاح طلب است که این اصل مغفول قانون اساسی را به شرکت در انتخابات با راه اندازی "پارلمان های محلی" مردم را بر مقدرات اشان حاکم سازد و ثانیاً از آن جایی که این به اصلاح شوراهای دهها هزار نفر را در بر می‌گیرند پس حتماً بخش هایی از نیرو - های مستقل همی‌توانند در آن شرکت کنند و رای بیاورند . اما نگفتند که مقررات نامزد شدن در انتخابات همین شوراهای دست کمی

خبر اخبار کارگری جهان

و زندگی دهها هزار راننده رحمتکش تاکسی کنند.

*** اعتصاب راننده‌گان اتوبوس و تاکسی در هایتی**

از اولین روز سال جدید میلادی، مقامات دولت هائیتی اعلام نمودند که سوبیسید دولت در رابطه با هزینه مواد سوختی به طور کامل قطع شده و پس از اعلام این خبر به یکباره پیش از ۷۵ درصد به قیمت مواد سوختی افزوده شد. این افزایش یکباره، خشم دهها هزار راننده اتوبوس و تاکسی را که برای شهروندان زندگی خود و خانواده خود باید بعضاً تا ۱۵ ساعت در پشت فرمان تاکسی و اتوبوس نشسته و به کار طاقت فرساً ادامه دهند، برانگیخته و روز ششم ژانویه اولین اعتصاب سراسری هزاران راننده تاکسی و اتوبوس آغاز شد.

گسترش این اعتصاب به حدی بود که رفت و آمد هزاران نفر در سطح چند شهر این کشور به طور کامل متوقف شد و در نتیجه تمامی مدارس و اغلب ادارات دولتی و مرآکز تولیدی به تعطیل کشانده شد. گذشته از این افزایش قیمت مواد سوختی شامل گاز مصرفی دهها هزار کارگر و زحمتکش این کشور نیز است که در حلیل آباد ها تنبیه شده و بدون دست رسانی به شیوه برق شهری از چراغ های گازی حتاً برای روشنایی کلبه محقر خود استفاده می کنند و اکنون با این اقدام دولت، مجبورند که ساعت ها در تاریکی بنشینند. در همین روز، صدها جوان ناراضی که جاشان از وحامت اوضاع و نبود روزنه امیدی به آینده جانشان به لبسان رسیده در اطراف پایتخت دست به تجمع و آتش زدن لاستیک های اتومبیل زده و با ماموران پلیس به زد و خورد و درگیری پرداختند. این اما پایان مبارزه بود. روز ۱۴ ژانویه، مجدداً دهها هزار راننده زحمتکش و کارگر ناراضی از اوضاع، دست به یک اعتصاب یک روزه زدند. در این روز هم با توقف کامل رفت وارد مسافران در سطح چند شهر، مدارس و ادارات دولتی تعطیل گردید. اعتصابیون می گویند که افزایش قیمت مواد سوختی به فوریت به افزایش بهای دیگر اقلام مورد نیاز زندگی آنها خواهد آنجامید و چیزی نخواهد گذشت که دیگر، دستمزدهای ناچیز آنها هم را نخواهد کرد.

*** تظاهرات ضد آمریکایی در کره جنوبی**

روز ۳۱ دسامبر، همزمان با برگزاری مراسم شب سال نو، بیش از ۳۰ هزار نفر در مقابل سفارت امریکا در شهر سئول، پایتخت کره جنوبی، گردنه امده و بار دیگر انزال جار و اعتراض خود به حضور نظامی امریکا در این کشور را به نمایش گذاشتند. اوایل ماه زویه سال گذشته، ۲ محصل نوجوان در اشتراحتی با یک خودروی ارتش امریکا کشته شدند. این فاجعه خشم هزاران نفر از مردم کره جنوبی را برانگیخته و طی چندین حرکت اعتراضی دهها هزار نفر خواهشمندان محکم مسربین این امریکایی، به رسم تمام زورگویان، برای خود حقی ویژه قائل اند و به مقامات کره ای اجازه محکم اتباع خود را نداده اند و در مقابل وعده دادند که متهمن در یک دادگاه نظامی محکم خواهند شد. البته چندان دشوار نبود که بتوان رای چنین دادگاهی را حدس زد. تمام متهمنان بیگناه شناخته شدند. در حرکت اعتراضی روز ۳۱ دسامبر، تظاهر کنندهان ضمن مخالفت با سیاست های جنگ طلبانه دولت آمریکا، خواستار خروج نیروهای نظامی این کشور از خاک کره شدند.

خبر اخبار از ایران*** تحصین دانشجویان خواجه نصیر**

جمعیت زیادی از دانشجویان دختر دانشگاه صنعتی خواجه نصیر الدین طوسی، در اعتراض به کمبود امکانات رفاهی و آموزشی و مشکلات امنیتی خوابگاه، دست به تحصین زدند. این دانشجویان قبل از نیز دست به اعتراض و تحصین زده بودند، اما مقامات مسؤول به جزدادن و عده توخالی، کارگری انجام ندادند و علاوه بر آن برای ترساندن دانشجویان نیروهای انتظامی را به سراغ آنان فرسانده بودند. معافون دانشجویی این دانشگاه در زمینه اسکان دانشجویان می‌گوید، در اتفاق های ۴ نفره، ۶ نفرجا داده شده اند. و یکی از دانشجویان می‌گوید در اتفاق های ۹ متری، گاه تا ۸ دانشجو مجبور به سکونت هستند.

*** دو خبرکوتاه**

- رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کارمنی گوید: "در دوران دولت فعلی، شاهد نامنی و استرس برای کارگران، ضرب و شتم آنها، بازداشت ۴۷۰ نفر نمایندگان کارگران و اخراج ۱۲۲ هزار نفر از نیروی کار و عدم دریافت حقوق کارگران در ۲۱۵ واحد تولیدی و سوء تغذیه یک صد هزار خانوار کارگران بوده این" و وزیر راه و ترابری اعلام کرد تا پایان سال آینده ۱۰۰۰ نفر از وزارت راه و ترابری ۱۴ هزار نفر از پرسنل راه آهن "تعدیل" خواهند شد. وی در زمینه خصوصی سازی ها گفت، به زودی شرکت های آسمان، هتل های هما، بالاست و تراورس، ماشین آلات و تجهیزات اینمی به بخش خصوصی واگذار می شود.

کم های مالی رسیده

استرالیا	سپتامبر
۱۰۰ دلار استرالیا	اکتبر
۱۰۰ دلار استرالیا	نوامبر
۱۰۰ دلار استرالیا	دسامبر
۱۰۰ دلار استرالیا	سوئد

به یاد رفایی
جانباخته گروه جنگل
(سیاهکل) - ش- ب
۱۵۶۱ کرون سوئد

- ۱- علی اکبر صفایی فراهانی
- ۲- احمد فرهودی
- ۳- شعاع الدین مشیدی
- ۴- هادی بنده خدا لنگرودی
- ۵- عباس دانش بهزادی
- ۶- جلیل انفرادی
- ۷- محمد رحیم سماعی
- ۸- محمد مهدی اسحاقی
- ۹- هوشنگ نیری
- ۱۰- محمد علی محدث قندیچی
- ۱۱- محمد هادی فاضلی
- ۱۲- اسماعیل معینی عراقی
- ۱۳- غفور حسن پور اصل
- ۱۴- ناصر سیف دلیل فراهانی
- ۱۵- اسکندر رحیمی

*** تجمع اعتراضی کارگران شهرداری**

بیش از صد تن از کارگران شهرداری گلستان، دست از کار کشیدند و با تجمع در برابر شهرداری، خواهان پرداخت حقوق و مزایای خود شدند. این کارگران یک شرکت بیمانکاری برای شهرداری کار می کنند، میزان حداقل پایه حقوق وزارت کارشامل آنان نشده است و حتاً بین ۱۵ هم نیستند. کارگران شهرداری نسبت به این مسئله اعتراض دارند و خواستار رسیدگی به مشکلات خود هستند.

*** اعتراض کارگران در کرمانشاه**

به دنبال صدور حکم اخراج چند تن از کارگران کارخانه ریسندگی کرمانشاه به جرم اغتشاش، کارگران ریسندگی و صنایع فرش کرمانشاه دست به تجمع اعتراضی زدند. گروه های دیگری از کارگران با امضاء طومار به این مسئله اعتراض کردند. کارگران ضمن محکوم کردن این حکم، خواهان لغو فوری آن شدند.

*** تجمع اعتراضی کارگران آذرشهر**

کارگران اخراجی شرکت آذرشهر ارومیه، با تجمع در محوطه اداره کل کار و امور اجتماعی این شهر، نسبت به اخراج خویش اعتراض کرده و خواستار بازگشت به کار شدند.

*** تجمع اعتراضی کارکنان بیمارستان**

روزهای چهارشنبه و پنجشنبه ۱۱ و ۱۲ دی گروهی از کارکنان بیمارستان تعطیل شده بهشتی قم، برای چندمین بار طی دو ماه گذشته دست به تجمع اعتراضی زدند و با اجتماع در برابر دادگستری و استانداری قم، خواستار رسیدگی به مشکلات خود شدند. این کارکنان از مهر میلادی ۸۰ تاکنون (۱۶ ماه) حقوق نگرفته اند.

*** تجمع اعتراضی معلمان همدان**

روز جمعه بیست و هفتم دی ماه، حدود ۶۰ تن از معلمان همدان، یک اجتماع اعتراضی برپا کرده و خواستار افزایش حقوق و هماهنگ شدن نظام پرداختها شدند. در این اجتماع، که به دعوت "کانون فرهنگیان همدان" و درخانه معلم این شنبه پرگار شد، یکی از اعضای شورای مرکزی کانون ضمن سخنرانی چندین مطرح کرد که یکی از راه های رسیدگی معلمان به نیازهای خویش، اعتصاب است، که این موضوع با استقبال و حمایت اکثریت معلمان همدان همراه شد. در این اجتماع اعتراضی، معلمان هشدار دادند چنانچه به خواسته های خویش، تحقیق و اعتراض نشود، دست به

تظاهرات ضد جنگ در سراسر جهان

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071 , Wien
Austria

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M . A . M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A . A . A
MBE 265
23 , Rue L ecourse
75015 Paris
France

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7
Canada

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپس و رسید آنرا به همراه کد مورد نظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمائید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره های فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹
۰۰۴۴۸۷۰۱۶۸۸۲۷۱
۰۰۴۴۸۷۰۱۳۸۲۵۲۲

در شهر توکیو نیز، هزاران نفر در خیابان ها
راه پیمایی کرده و در مقابل سفارت آمریکا
تجمع نمودند. تظاهر کنندگان با به اتش
کشیدن پرچم آمریکا اعلام نمودند که این
جنگ امپریالیستی باید به فوریت متوقف
شود.

در انگلستان، هزاران نفر به خیابان های
لندن و لیورپول آمده و مخالفت خود را با
سیاست های جنگ طلبانه دولت تونی بلر،
که یکی از متحدهن اصلی آمریکا در اروپا
محسوب می شود، به نمایش گذاشتند و اعلام
نمودند که این جنگ تنها بر سر منابع نفتی
عراق بوده و هیچ ربطی به منافع نوده های
مردم در این کشور ندارد.

در فرانسه و اسپانیا نیز هزاران نفر با
برگزاری تظاهرات و راه پیمایی به مخالفت
با جنگ برخاستند.

در هلند، صدها تن از فعالین سیاسی نیرو
های مترقبی به یکی از پایگاه های نظامی
حمله کردند. آنها با ورود به محوطه پایگاه
آکسیون سمبولیک خود تحت عنوان "گروه
های بازرسی شهروندان" را آغاز کردند که
به دنبال آن با حمله پلیس مواجه شدند و
متغایراً ۱۰۷ تن از شرکت کنندگان باز
داشتند.

در مسکو بد通告 حزب کمونیست، تظاهراتی
در مقابل سفارت آمریکا برگزار شد. تظاهر
کنندگان با حمل پرچم های سرخ و در دست
داشتن شعارهای ضد جنگ، سیاستهای جنگ
طلبانه را محکوم کردند.

مخالفین جنگ در آلمان هم تجمع اصلی
خود را در این روز در شهر هایدلبرگ و در
مقابل مرکز فرماندهی نیروهای نظامی
آمریکا در راخ اروپا برگزار نمودند. علاوه
بر این شهرهای هامبورگ و کلن نیز شاهد
راه پیمایی و تظاهرات هزاران نفر بود.
علاوه بر این روز ۱۲ از این نیزه مناسبت
سالروز ترور رهبران انقلابی حزب کمونیست
آلمان، روزا لوکزامبورگ و کارل لیکنخت،
بیش از ۱۵ هزار نفر در خیابان های شهر
برلین دست به راه پیمایی زندنو سپس بیش
از ۸۰ هزار نفر در محل خاکسپاری این دو
رهبر کمونیست تجمع نموده و انتزجار خود را
از سیاستهای جنگ طلبانه امپریالیستهای
آمریکایی به نمایش گذاشتند و از دولت
آلمان خواستند که فکر هرگونه دخالت در
این جنگ را از سر خود بپرون کند.
در همین روز شهر سائوپائلو در برزیل و
شهر بوئوس آیرس در آرژانتین و دهها شهر
دیگر در سراسر جهان شاهد قدرت نمایی
جنگ ضد جنگ بود.

در میان هیاهوی تبلیغاتی پیرامون امکان
تولید سلاح های کشتار جمعی توسط رژیم
عراق و اعزام بازرسان سازمان ملل متعدد
به خاک عراق برای تحقیق در مورد
آن، و دیدارها و گفتوگوهای چند جانبه میان
سازمان کشورهای اروپایی و آسیایی پیرامون
این مسئله، دولت آمریکا کماکان بدون وقفه
مشغول فراهم آوردن ساز و برق جنگی و آماده
سازی همه جانبه نیروهای نظامی خود برای
حمله به عراق می باشد. در همین رابطه، روز
۲۷ ماه زانویه، بازرسان سازمان ملل ارائه خواهد
داد، و قرائت امر نشان از آن دارد که امپریا
- لیستهای آمریکایی، به رغم تمام این
تلash ها جنگ خود را در منطقه خاور میانه
آغاز خواهد نمود. به موازات تشدید این
اقدامات جنگ طلبانه، جنبش ضد جنگ نیز
در تمام کشورهای جهان گسترش بی ساقهای
یافته و نظر سنجی های مختلف که اغلب
توسط موسسات وابسته به دستگاه تبلیغاتی
سرمایه اند جام گرفته، نشان از رشد روزافزون
مخالفت نوده های مردم با این جنگ امپریا
یالیستی دارد. در همین رابطه روزهای آغازین
سال جدید میلادی، شاهد برپایی دهها راه
پیمایی و تجمع وسیع اعتراضی در شهرهای
مختلف آمریکا، اروپا و آسیا بوده است. از
جمله می توان به تظاهرات و اعتراضات وسیع
بین المللی در روز ۱۸ از اینویه اشاره نمود. در
این روز بیش از ۲۰ کشور جهان شاهد اعتراض
جنگ جهانی ضد جنگ بود. تنها در واشنگتن
و به رغم سرمایه گذنده بیش از نیم میلیون نفر
در پارک Mall گردهم آمده و با سردادن شعار
"جنگ برای نفت، نه" خواستار استفاده جوهر
بوش و بازگرداندن دهه ها زار سرباز آمریکایی
از منطقه خاور میانه شدند. سپس تعدادی از
تظاهر کنندگان به سمت کاخ سفید و تعدادی
نیز به سمت مقر فرماندهی مشترک نیروهای
ارتش آمریکا راه پیمایی نمودند. همزمان با
تظاهرات واشنگتن، در شهر سانفرانسیسکو
نیز دهها هزار نفر از مخالفین جنگ گردهم
آمده و خواستار توقف سیاست های جنگ طلبانه
دولت آمریکا شدند. در دیگر کشورهای آمریکا،
نظیر شیکاگو و تامپا نیز چندین هزار نفر در
تظاهرات مشابه شرکت کردند.

در همین روز هزاران نفر در شهرهای بحرین
و بیرون به خیابان ها آمده و با تجمع در
میادین مرکزی شهر، نفرت و انتزجار خود را
از اقدامات جنگ طلبانه دولت آمریکا به
نمایش گذاشتند.

در سوریه روز هزار نفر در هم
- بستگی با تظاهرات های ضد جنگ، در
خیابان ها دست به راه پیمایی زدند.

|نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>



Organization Of Fedaiyan (Minority)

No. 397 jan 2003